

## جنسیت سوم: تحلیل جامع مردشناختی زندگی دگرباشان جنسی در ایران

نویسنده: کامیل احمدی<sup>1</sup>

### چکیده

جنسیت یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است که شامل هویت‌ها و نقش‌های جنسی و جنسیتی، گرایش‌های جنسی، شهوت، لذت، صمیمیت و تولیدمثل می‌شود. جنسیت در افکار، رویاپردازی‌ها، امیال، باورها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، رویه‌ها، نقش‌ها و روابط افراد خود را نشان می‌دهد. در حالی که جنسیت می‌تواند این ابعاد را دربرگیرد، همه آنها همواره تجربه یا ابراز نمی‌شوند. جنسیت تحت تأثیر تعاملات زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، تاریخی، مذهبی و عوامل معنوی نیز قرار دارد. درباره دگرباشان جامعه معاصر ایران و اینکه به این اجتماع از زاویه دید خودشان چگونه نگاه می‌شود، مطالعات پژوهشی محدودی صورت گرفته است. اطلاعاتی زیادی درباره تجربیات افراد دگرباش ساکن ایران وجود ندارد. این پژوهش بر آن است تا این شکاف علمی را درباره موضوعی تا این حد مهم پر کند. در این تحقیق "شهر ممنوعه" پژوهشی جامع بر باب دگرباشان در ایران که هم اکنون نسخه انگلیسی آن زیر چاپ و نسخه فارسی آن منتظر مجوز است، چالش‌های برخاسته از تغییرات عصر حاضر در روابط جنسیتی و چگونگی این تعاملات در تهران پایتخت و دو کلانشهر (مشهد و اصفهان) بررسی شد. داده‌های این پژوهش در سال‌های 1395 و 1396 جمع‌آوری شد و بیش از 400 مصاحبه برای رسیدن به استانداردی قابل قبول و روش تحقیقی معتبر انجام شد. جهت انتخاب افراد از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. اهداف اصلی این پروژه تحقیقی، درک احساسات و باورها حول دگرباشان در ایران از طریق تحلیل انتقادی از نگاه خود این افراد و بررسی چالش‌هایی است که آنها بر اثر زندگی در جامعه‌ای مذهبی، طبقه‌محور، سنتی و پدرسالار، که دگرباشی را به‌مثابه هویت رد می‌کند، تجربه می‌کنند. پرسش این پژوهش از همین جا شروع می‌شود. یکی از ویژگی‌های خاص دامنه این مطالعه این است که تنها بر دگرباشان گرایش جنسی تمرکز کرده و به افراد تراجنسیتی (که دارای دو جنبه زنانه و مردانه جنسیت هستند و هر دوی این جنبه‌ها به طور هم‌زمان فعال‌اند) نپرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، دگرباشان، دگرباش جنسی، گرایش جنسی، همجنس‌گرایان، هویت جنسی، ال جی بی تی، LGBT

<sup>1</sup>. محقق و مردم‌شناس: <http://kameelahmady.com> & [Kameel.ahmady@gmail.com](mailto:Kameel.ahmady@gmail.com)

جنسیت، جنس و تمایل جنسی مفاهیمی سیال و همواره در حال تغییرند که اساس و جوهره روابط انسانی را تعریف می‌کنند. جنس به تفاوت‌های فیزیکی یا فیزیولوژیک بین بدن مردان، زنان و افراد بیناجنسی اشاره می‌کند که هم ویژگی‌های اولیه یک جنس (سیستم تولیدمثل) و هم ویژگی‌های ثانویه آن (مانند پستان و موی صورت) را شامل می‌شود. اما جنسیت به شکل اجتماعی براساس ویژگی‌هایی تعیین می‌شود که از طبقه‌بندی جنسی نشئت می‌گیرند و تفاوت‌های اجتماعی یا فرهنگی‌ای را منعکس می‌کنند که با یک جنس خاص می‌آیند. جامعه غربی و جوامع بسیار دیگر همیشه تنها دو جنس را به رسمیت شناخته‌اند. از آنجا که جامعه ما تا جایی که به جنس مربوط می‌شود، در نظامی دوقطبی عمل می‌کند، دو انتخاب بیشتر دیده نمی‌شود: مرد یا زن. بیمین و رانکین می‌گویند که جنسیت از جنس جدا اما به آن مربوط است: آنها جنسیت را همچون ترجمه واقعیت‌های زیستی از انتظارات اجتماعی از «زنان» و «مردان»<sup>۲</sup> در نظر می‌گیرند. از زمان بسته شدن نطفه به کودکان جنسیتی داده می‌شود و به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که با نقش‌های جنسیتی خاص آنها مطابق باشند؛ احتمالاً این با پتوی صورتی در مقابل پتوی آبی نوزاد شروع می‌شود که به سرعت به انتخاب اسباب‌بازی و بازی‌هایی می‌انجامد که از نظر فرهنگی برای دختران و پسران در نظر گرفته می‌شوند. هر رفتار خارج از این هنجارهای پذیرفته‌شده و ویژگی‌های تعریف‌شده در تقابل با هر نوع تساهل اجتماعی است و پذیرفتنی نیست. در چنین شرایطی رابطه عمیقاً ریشه‌دار بین یک زن و یک مرد مقدس است. آنچه کفرآمیز دانسته می‌شود، هر رابطه یا میل جنسی است که در خارج از این هنجار توصیه‌شده اجتماعی (بودن مردان با زنان) وجود داشته باشد. حال دسته‌بندی دگرباشان همه این هنجارها و نظام دوقطبی را به چالش می‌کشد. در دو دهه گذشته، الگوی گفتمان مربوط به جنسیت و تمایلات جنسی عمدتاً به سبب ورود عبارات جدید برای تعریف گرایش جنسی و ظهور نظریه فراهنجاری جنسی (Queer Theory) در دهه 90 میلادی دستخوش تغییرات شد. این نظریه و تعاریف در چهارچوب مطالعات زنان و مردان همجنسگرا تدوین شدند.<sup>۳</sup> در این حالت گفته می‌شود که هرچند گرایش جنسی فرد در اوان زندگی شکل می‌گیرد اما این گرایش می‌تواند در طول زندگی او تغییر کند. این امر غیرعادی نیست و به آن «سیالیت» گفته می‌شود.<sup>۴</sup> دگرباش (LGBT) واژه‌ای است که برای اشاره به همجنسگرایان زن، همجنسگرایان مرد، دوجنسگراها و تراجنسیتی‌ها استفاده می‌شود. با توجه به این مطالب در پژوهش در دست تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی ادبیات نظری و تجربی موضوع دگرباشی، روایات تاریخی و فرایند تحول این موضوع در واقعیت و در قوانین جهانی و ملی کشورها و نیز نگاه مذهب بررسی شود و در نهایت شرایط دگرباشان ایران بررسی گردد.

در دنیای مدرنی که دگرباشی هرچه بیشتر در میان عامه مردم در حال رواج است، همچنان ترس و تعصبی شدید دگرباشان را تهدید می‌کند. ترس‌های این‌چنینی سبب تعصبی می‌شوند که به ترس‌های مختلف دیگر و افزایش تعصبات جنسی می‌انجامد. نقش‌های جنسیتی تعریف‌شده بر همجنسگراهراسی صحنه می‌گذارند؛ چراکه دگرجنسگراهای بسیاری معتقدند که همجنسگرایی آشفته‌گی جنسیتی است. عامل محتمل دیگر همجنسگراهراسی، زن‌ستیزی است، جایی که

<sup>۲</sup> بیمین، جنی و سوزان رانکین. 2011. *The Lives of Transgender People*. نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا

<sup>۳</sup> باتلر، جودیت. 1990. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*.

<sup>۴</sup> کاتز-وایز، سابرال. Sexual fluidity in young adult women and men: Associations with sexual orientation and sexual identity development. *روان‌شناسی و تمایلات جنسی* 6.2 (2015)

نفرت یا انزجار جامعه از تمایل جنسی مردان گی، گی‌هایی را هدف قرار می‌دهد که «مثل زنان رفتار می‌کنند» و بنابراین مزیت مردانه‌ای را که حق آنها دانسته می‌شد، از دست می‌دهند. این در حالی است که گرایش جنسی لزبین‌ها به مثابه غصب اختیارات و مزایای مردانه دانسته می‌شود. مطالعه کالن، رایت و الساندرو نشان می‌دهد که مرد دگرجنسگرا از زن دگرجنسگرا، همجنسگراهراس‌تر است.<sup>5</sup> آنها در رویارویی با گفتمان همجنسگرایی، متعصب‌تر و حساس‌ترند. علاوه بر این، اغلب پژوهشگران جنسیت بر این عقیده‌اند که ارجاعات محدودی که در انجیل به همجنسگرایی داده شده است، تعصب‌های مدرن همجنسگراهراسی را بنیان نهاده است.<sup>6</sup> سولیوان و وودارسکی (2002) می‌گویند که «ارجاعات انجیل به همجنسگرایی اساس تعصب مدرن برای همجنسگراهراسی شده‌اند؛ چراکه بیشتر مخالفان همجنسگرایی و رفتارهای همجنسگراستیزانه به این اصل اساسی استناد می‌کنند که انجیل همجنسگرایی را نامقدس می‌داند.»<sup>7</sup> در گزارشی به مناسبت روز جهانی مبارزه با همجنسگرایی در سال 2016، بانک جهانی اثرات منفی همجنسگراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی را بر عملکرد اقتصادی کشورها و افزایش فقر بررسی کرد. بنا بر گزارش بانک جهانی به دلیل انگ‌زنی مداوم و تبعیض، دگرباشان جمعیتی هستند که فقر را بیشتر تجربه می‌کنند. از آنجایی که در حوزه آموزش و اشتغال این افراد عقب می‌مانند، جامعه به طور کل مهارت‌ها و توان تولید آنها را نادیده می‌گیرد. بنابراین، مبارزه با ترس از دگرباشان در جامعه می‌تواند سبب بهبود رفاه و تولید ثروت بیشتر برای همه شود. همچنین دوجنسگراهراسی تأثیری مخرب بر زندگی افراد دوجنسگرا دارد و سبب می‌شود بسیاری از آنها پنهان شوند و برای اجتناب از تمسخر و طرد «در صندوق» باقی بمانند. این مسئله می‌تواند بهزیستی و حس هویت آنها را تحت تأثیر قرار دهد و به سادگی پرورش اعتماد به نفس و قاطعیت را برای دوجنسگراها دشوار کند. یکی از بدترین عواقب دوجنسگراهراسی تبعیضی است که فرد دوجنسگرا نه فقط از سوی کل جامعه که از سوی اجتماع همجنسگرایان می‌بیند. نگاه مبتنی بر تراجنسیتی‌هراسی به تبعیض سازمانی شامل تبعیض در اشتغال و مسکن، خشونت پلیس و خشونت‌های ناشی از تنفر دامن می‌زند.<sup>8</sup>

## ادبیات تحقیق

طیف گرایش جنسی به طور گسترده به سه دسته تقسیم می‌شود: همجنسگرایی، دوجنسگرایی و دگرجنسگرایی. بی‌جنسگرایی نوع چهارمی است که اغلب به آن توجه نمی‌شود. اینکه چطور یک گرایش جنسی خاص در هر فرد پرورش می‌یابد به شدت محل بحث است؛ بسیاری از دانشمندان بر این باورند که گرایش جنسی افراد در سنین کم شکل می‌گیرد. برخی پژوهشگران تعامل میان تأثیرات ژنتیکی، هورمونی، رشدی، اجتماعی و فرهنگی را در گرایش جنسی دخیل می‌دانند؛ اما هیچ عامل یا عوامل مشخصی وجود ندارند که صددرصد تعیین‌کننده باشند. زنان همجنسگرا (لزبین)، مردان همجنسگرا (گی)، دوجنسگرا (بایسکشوال) و تراجنسیتی (ترنس‌جندر) (LGBT) ممکن است بسته به بافت اجتماعی معانی متفاوتی به خود بگیرند.

<sup>5</sup> سالیوان و وودارسکی (2002) Social alienation in gay youth. نشریه رفتار انسانی در محیط اجتماعی. 5 (1)، 1-17، ص 4

<sup>6</sup> سالیوان و وودارسکی (2002) Social alienation in gay youth. نشریه رفتار انسانی در محیط اجتماعی. 5 (1)، 1-17، ص 4

<sup>7</sup> سالیوان و وودارسکی (2002) Social alienation in gay youth. نشریه رفتار انسانی در محیط اجتماعی. 5 (1)، 1-17، ص 4

<sup>8</sup> رایان، روبی، ژوتل. REEL GENDER: EXAMINING THE POLITICS OF TRANS IMAGES IN FILM AND MEDIA. 2009، ص 8

همجنسگرا (homosexual)، فردی است که عمدتاً از نظر فیزیکی، عاطفی و یا جنسی به افراد همجنس خود کشش دارد. معمولاً همجنسگرایی هویتی است که فرد در آن خود را گی یا لزبین می‌انگارد. واژه گی (gay)، بیشتر برای اشاره به مردانی به کار می‌رود که جذب مردان می‌شوند. منظور از لزبین (Lesbian)، هم‌زنانی است که ظرفیت جذب رمانتیک، شهوانی و یا عاطفی زنان دیگر را دارند.

دوجنسگرا (Bisexual) زنان و مردانی است که نه فقط به افراد همجنس خود، بلکه به افراد جنس مخالف نیز گرایش جنسی دارند. در حالی که مردان ممکن است بیشتر گی یا دگرجنسگرا باشند دوجنسگرایی در زنان شایع‌تر است.

ترانسنسیتی (Transsexual)، صفتی کلی است برای توصیف دامنه وسیعی از افراد که هویت جنسیتی یا نقش جنسیتی آنها با جنس نسبت داده شده به آنها در زمان تولد همسو نیست.

بی جنس گرا (asexual)، فردی بدون هیچ میل جنسی به مرد همجنس یا جنس مخالف خود است.

دگرجنسگرایی (Heterosexuality) ویژگی‌های فردی را توصیف می‌کند که به فردی از جنس مخالف گرایش جنسی دارد. ما طبیعت را از پیش برنامه‌ریزی شده و تحت تأثیر وراثت ژنتیکی و دیگر عوامل بیولوژیک می‌دانیم. از طرف دیگر، پس از بسته شدن نطفه، تربیت فرد تحت تأثیر عوامل خارجی مانند محیط، تجربه و آموزش قرار می‌گیرد.<sup>9</sup> در حوزه رفتار انسانی، بحث قدیمی طبیعت در مقابل تربیت و تأثیر محیط، چه محیط پیش از تولد و چه محیط زندگی فرد یا ژن‌ها از بحث‌های مهم در حوزه گرایش‌های جنسی است. نظریه‌های مختلف همجنسگرایی یا از رویکرد ذات‌باوری گرفته می‌شوند یا روش ساخت اجتماعی. اخیراً یافته‌ای دوقطبی همبستگی را نشان می‌دهد که براساس آن، کسانی که معتقدند همجنسگرایی خطاست، معمولاً بر این باورند که همجنسگرایی انتخابی فردی است (نظریه زیست‌محیطی) و در مقابل، آنهایی که فکر می‌کنند همجنسگرایی عادی (نرمال) است، اکثراً به یک نظریه علیت بیولوژیک یا ژنتیکی اعتقاد دارند.<sup>10</sup>

زیگموند فروید یکی از مدافعان اصلی تاثیر عوامل محیطی بر همجنسگرایی است. فروید در زمان حیات چهار نظریه درباره همجنسگرایی مطرح کرد. نخستین نظریه‌های او می‌گفتند که همجنسگرایی از عقده ادیپ نشئت گرفته است؛ به این معنی که مرد جوان پیوند شهوانی نرمالی را با مادر خود برقرار می‌کند؛ اما مادر عطوفت بسیار زیادی به پسر نشان می‌دهد و در نتیجه پسر به شکلی وسواسی آلت تناسلی خود را مهم می‌انگارد.<sup>11</sup> نظریه دیگری می‌گوید کودک تمایز میان خود و دیگری را تشخیص نمی‌دهد و بنابراین تصور می‌کند مادر آناتومی‌ای مشابه او دارد. در دوره خودشیفتگی، کودک به جدایی خود از مادر پی می‌برد و تهدید به اختگی می‌تواند مجازاتی برای احساسات شهوانی او باشد. بنابراین، او به شکلی وسواس‌گونه غرق آلت تناسلی خود می‌شود. براساس نظریه‌های دیگر، هنگامی که کودک پی می‌برد مادر آلت تناسلی مردانه ندارد، وحشت می‌کند و عشق او به مادر به نفرت تبدیل می‌شود. از آن پس، او زنی را با آلت تناسلی مردانه انتخاب می‌کند (پسری با صفات زنانه). نظریه چهارم و آخر او نسخه دیگری از عقده ادیپ بود که می‌گفت پسران

<sup>9</sup> مک لئود، اس. ای. (2007). Nature Nurture in Psychology. [www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html](http://www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html).

<sup>10</sup> سالیوان و وودارسکی (2002). Social alienation in gay youth. نشریه رفتار انسانی در محیط اجتماعی. 5 (1)، 1-17. ص 4

<sup>11</sup> لویس، کی. (1988). *The psychoanalytic theory of male homosexuality*. نیویورک: سیمون و شاستر

همجنسگرا عشقی آتشین به مادر و حسادتی بی‌حد به پدر دارند. این حسادت به پدر به شکل آرزوی مرگ و خیال‌بافی‌های سادیستی از خشونت بروز می‌یابد. در نتیجه در واکنش، کودک این احساسات را به احساس عشق به همجنس تبدیل می‌کند.

از دیگر سوی نظریه‌های بیولوژیک عبارت گرایش جنسی را برای اشاره به ژن‌هایی به کار می‌برند که از طریق استروئیدهای جنسی پیش از تولد به رشد، سازماندهی و ساختار سیستم عصبی کمک می‌کنند. ترکیب شیمیایی و ساختار مغز اخیراً تحلیل شده و تفاوت‌هایی را در مردان همجنسگرا در یک کالبدشکافی نشان داده است. مطالعه روان‌پزشک دانشگاه بوستون، ریچارد پیلارد، و روان‌شناس دانشگاه نورث‌وسترن، جی. مایکل بیلی، درباره همجنسگرایی و دوقلوهای پسر همسان و غیرهمسان نشان داده است که در دوقلوهای همسان اگر یکی گی باشد، شانس گی بودن دیگری حدود 50 درصد است. در مورد دوقلوهای غیرهمسان این رقم حدود 20 درصد بود. همجنسگرایی ریشه خانوادگی دارد و مطالعات نشان می‌دهند که 8 تا 12 درصد برادران مردان گی هم گی هستند و این در حالی است که این رقم در جمعیت عمومی 2 تا 4 درصد است.

در سطح جهانی به دوجنسگراها زیاد توجه نشده و کارهای زیادی در این زمینه انجام نشده است.<sup>۱۲</sup> کار پژوهشی الیاسون (1997) و هرک (2002) در رابطه با دوجنسگراها نشان می‌دهد که رویکردها به دوجنسگراها اغلب با نگاه به همجنسگرایان ترکیب شده است. همچنین این باور وجود دارد که زنان دوجنسگرا معمولاً در احساسات خود نسبت به دوجنسگراها بیش از مردان دوجنسگرا مثبت هستند و زنان دوجنسگرا معمولاً بالاتر از مردان دوجنسگرا دانسته می‌شوند. چان (2002) در تحقیق خود نشان می‌دهد که چطور در مقایسه با دوجنسگرایان، دگرباشان در هنگ کنگ مورد رفتار نابرابر قرار می‌گیرند.<sup>۱۳</sup> به همین شکل، اچا سعی دارد پژوهشی درباره صنعت جنسی در تایلند و این موضوع انجام دهد که چطور رویکردها و رفتارهای جدیدی در تایلند در حال ظهورند. دگرباشی در تایلند نیازمند تحقیق و مطالعات پژوهشی بیشتر است. سیراج (2012) این نکته را تحلیل می‌کند که چگونه اسلام سبب رنج و درد لژیبن‌های مسلمان می‌شود.<sup>۱۴</sup>

در ایران، پژوهش‌های کمی درباره دگرباشان انجام شده است. تنها تعداد محدودی مستند و چند مقاله روزنامه‌ای و گزارشات حقوق بشری وجود دارد. پروژه اطلاعات و پژوهش خاورمیانه (MERIP) اطلاعاتی درباره سازمان اقدام آشکار جهانی (که پیش از این کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر گی‌ها و لژیبن‌ها نامیده می‌شد) منتشر کرد. اقدام آشکار جهانی سه کارشناسی را که حوزه‌های کاری مشترک داشتند در اکتبر سال 2015 برای گفت‌وگو درباره برخی مسائل مذهبی، حقوقی و اجتماعی، که افراد دگرباش ساکن ایران با آنها روبرو هستند، گرد هم آورد. پیش‌تر در سال 2012 و 2014 دو دوره جلساتی در دوسلدورف آلمان برگزار شده بود که در آنجا اقدام جهانی آشکار حقوق‌دانان، فعالان حقوق بشر و دانشگاهیان را برای شرکت در میزگردی درباره وضعیت دگرباشان در ایران دور هم جمع کرده بود. گزارش آنها با عنوان

<sup>12</sup> الیاسون، ام. جی. (1997). The prevalence and nature of biphobia in heterosexual undergraduate students. Archives of Sexual Behavior.   
<sup>13</sup> چان، فیل سی. دابلو (2005) and (2005) of international anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations' <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347>. شماره 6.   
<sup>14</sup> سیراج، عاصفه (2012). I don't want to taint the name of Islam": the influence of religion on the lives of Muslim lesbians. نشریه مطالعات لژیبن. جلد 16. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10894160.2012.681268>.

«حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها و تراجنسیتی‌ها در ایران» خلاصه‌ای بود از یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های کنفرانس و رویکردهای جدید برای بهبود وضعیت حقوق دگرباشان ایرانی.<sup>15</sup> در سال 2013، مرکز مستندسازی حقوق بشر ایران گزارشی 60 صفحه‌ای با عنوان «هویت انکارشده: نقض حقوق بشر اجتماع دگرباشان ایران» تهیه کرد. هرچند انبوهی از مصاحبه‌ها با گی‌ها، لزبین‌ها و تراجنسیتی‌های ایرانی انجام شدند، به دلایل امنیتی، بیشتر مصاحبه‌شوندگان دیگر در ایران زندگی نمی‌کردند. تفاوت مطالعه حاضر با آن موارد در این است که در جغرافیای ایران انجام پذیرفته و شامل مصاحبه با افرادی است که در زمان انجام پژوهش و مصاحبه در ایران زندگی می‌کردند.

### روایت تاریخی دگرباشان

دگرباشی یا همجنسگرایی واژه‌ای نو است که به اجتماعات لزبین، گی، دوجنسگرا و تراجنسیتی اشاره دارد. هرچند تاریخ ریشه‌های این اجتماعات مبهم هستند، آنها از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته‌اند. در واقع، مفاهیم همجنسگرایی و دوجنسگرایی به زمان معاصر برمی‌گردند؛ زیرا پیش از آن مردم فکر نمی‌کردند که باید «آنچه هستند» را از منظر کشش جنسی خود تعریف کنند. کاتز (1995) می‌گوید که «ساختارگرایان اجتماعی می‌توانند بافتارهای تاریخی بسیاری را شناسایی کنند که در آنها افراد در روابطی با همجنس وارد شده‌اند؛ اما تنها در میانه قرن نوزدهم بود که واژگانی خاص، طبقه‌بندی‌های رفتار جنسی (به طور مشخص یا همجنسگرا یا دگرجنسگرا) را برچسب زدند». همچنین او معتقد است که «این واژه‌ها به ساخت جنسیت در عصر غرب مدرن کمک کردند».<sup>16</sup> در سرزمین پارس (ایران امروزی) با رفتارهای همجنسگرایانه و میل به همجنس در بسیاری از اماکن عمومی از دیرها و مدارس علوم مذهبی گرفته تا میخانه‌ها، اردوگاه‌های نظامی، حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه‌ها با مدارا برخورد می‌شد. در اوایل دوره صفوی (1501-1723)، فاحشه‌خانه‌های مردانه (امردخانه) به شکل قانونی رسمیت یافته بودند و مالیات می‌پرداختند.<sup>17</sup> مسائل مربوط به دگرباشان همواره در رمان‌ها، رمان‌هایی که به فیلم درمی‌آیند، کتاب‌های تاریخی و پژوهش‌های مربوط به حقوق اجتماعی و شهروندی، تحقیقات علمی و ادبیات محدودی که درباره دگرباشان موجود است، دیده شده است. رمان "دو پسر، هنگام شنا" اثر جیمی اونیل، "شهر شب" اثر جان رکی، اثر "چاه تنهایی" رادکلیف هال در سال 1928 در مورد همجنسگرایی زنان، یادداشت‌های روزانه آن لیستر در اواخر قرن نوزدهم، رمان رزاموند لیمن در سال 1927 در مورد دوجنسگرایان، اثر جیمز بالدوین در سال 1956 با عنوان "اتاق حیوانی" با دو موضوع همجنسگرایی و دوجنسگرایی، "رنگ بنفش" اثر آلیس واکر در دهه 30 نمونه‌هایی از رمان‌های معروف مربوط به زندگی دگرباشان می‌باشد. همچنین در سال 1934، نمایش آمریکایی لیلیان هلمن، "ساعت کودکان" در زمره رمان‌هایی هستند که فیلم‌های بسیار موردتحمین از آن ساخته شده است. در ایران نیز شاعرانی چون سعدی (1291)، حافظ (1389) و جامی (1492) شعرهایی سروده‌اند که پر از نشانه‌هایی از میل جنسی به همجنس هستند.

<sup>15</sup> حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها و تراجنسیتی‌ها در ایران. [www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran\\_0.pdf](http://www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf)

<sup>16</sup> کاتز، جانانان ند (1995). *The Invention of Heterosexuality*. نیویورک، انتشارات پنگوئن، ص 45

<sup>17</sup> <https://fa.wikipedia.org>

## نگاهی کلی به دگرباشان و سناریوهای حقوقی آنها در سطح جهان

قوانین ضد رابطه با همجنس به قرن شانزدهم برمی‌گردند و بخش بزرگی از جامعه انگلیس را نمایندگی می‌کنند که باور داشتند همجنسگرایی «بدترین جرائم» است.<sup>۱۸</sup> در آن زمان همجنسگرایی عملی ناپذیرفتنی بود که به حدی ثبات جامعه ویکتوریایی را تهدید می‌کرد که هویتی به نام هویت همجنسگرا در این دوره وجود نداشت. در سال 1952 در انگلستان، پروندهٔ تعقیب قضایی برای عمل لواط، 3087 پرونده برای سعی در ارتکاب لواط یا رابطهٔ جنسی تحمیلی و 1686 پرونده برای رابطهٔ جنسی میان مردان (دخول) باز شده بود.<sup>۱۹</sup> البته نمی‌توان گفت که این انزجار جهانی بود. در واقع، فرهنگ‌هایی هم بوده‌اند که رابطه و عشق میان همجنسان را محترم می‌دانند. هندوئیسم همجنسگرایی را گناه نمی‌داند. در واقع، شورای هندوی انگلیس بیانیه‌ای با این مضمون منتشر کرد که «هندوئیسم همجنسگرایی را محکوم نمی‌کند».<sup>۲۰</sup> کتاب مقدس سیک‌ها، گورو گرانت صاحب، از مدارا، برابری و پذیرش همهٔ افراد فارغ از نژاد، مذهب، جنسیت یا تمایل جنسی صحبت می‌کند. مراسم ازدواج سیک‌ها مخصوص جنس و جنسیتی خاص نیست و در این مذهب، ازدواج با همجنس ممکن است.<sup>۲۱</sup>

آفریقا نگاهی خشن به اجتماع دگرباشان دارد. رئیس‌جمهور پیشین زیمبابوه، موگابه، در اظهارنظری قاطعانه دربارهٔ حقوق دگرباشان بیان کرد که گی‌ها از انسان کمترند و سزاوار هیچ حق انسانی نیستند و حتی از سگ‌ها و خوک‌ها هم بدترند.<sup>۲۲</sup> رئیس‌جمهور گامبیا، یحیی جمه، درخواست کرد قانونی علیه همجنسگرایان تصویب شود و در ادامه گفت که او هر گی یا لزبینی را که در کشور دیده شود، «گردن می‌زند». رئیس‌جمهور اوگاندا گفت که رابطهٔ گی‌ها خلاف ارادهٔ خداوند است.<sup>۲۳</sup>

پیمایش جدید مرکز تحقیقات پیو که در 39 کشور انجام شد، نشان داد که در کشورهای آمریکای شمالی، اتحادیهٔ اروپا و بیشتر کشورهای آمریکای لاتین همجنسگرایی را در مجموع پذیرفته‌اند. در سال 2017، جنبشی ضد گی در چین برای پاکسازی گی‌ها تشکیل شد. در خاورمیانه، زندگی آزاد دگرباشان در کشورهای با جمعیت اکثرأ مسلمان، نادر است؛ اما این پدیده در خفا بسیار رواج دارد. پلیس سوریه به ندرت گی‌ها را دستگیر می‌کند. در افغانستان، ثروتمندان پسرانی رقصنده را با عنوان پسرانی که با مردان رابطهٔ جنسی برقرار می‌کنند، می‌خرند (بچه‌بازی).<sup>۲۴</sup>

در سال‌های اخیر مدارای بیشتری با دگرباشان در سراسر جهان صورت گرفته است. در سال 2002، عده‌ای از زنان فلسطینی گروه «اصوات» (صداها) را تشکیل دادند که بعدها گروه فلسطینی دیگری به نام «القوس» (رنگین کمان) به آن گروه پیوست. هر دو گروه در اسرائیل‌اند؛ اما با سرزمین‌های فلسطینی نیز ارتباط دارند. حدود سال 2004، گروهی از کنشگران لبنانی «حالم» را تأسیس کردند که نخستین سازمان دگرباشان بود و آشکارا در کشوری عربی فعالیت می‌کرد. مجلهٔ اردنی My Kali، که هدفش «پرداختن به موضوع همجنسگراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی و توانمندسازی جوانان برای کنار زدن دوقطبی‌های جنسیتی رایج در دنیای عرب» است، از سال 2007 به شکلی منظم منتشر می‌شود. در

<sup>18</sup> Upchurch, Charles. Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform. Berkeley: University of California, 2009. Print. Page 14 & 49

<sup>19</sup> Whitaker, Brian. Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East. Berkeley: University of California, 2006

<sup>20</sup> Gay Histories and Cultures, Routledge, p. 438, George Haggerly

<sup>21</sup> <http://www.wahegurunet.com/gay-sikh>

<sup>22</sup> ( Christopher Brocklebank, 14th August 2012, 10:01 AM Police raid headquarters of LGBT rights group.)

<sup>23</sup> Uganda considers death sentence for gay sex in bill before parliament", Guardian, 29 November 2009.

<sup>24</sup> Straight but Narrow, The Economist [www.economist.com/node/21546002](http://www.economist.com/node/21546002)

آمریکا و کانادا، درصد پذیرش همجنسگرایی در جامعه از سال 2007 تا سال 2013، دست کم تا ده درصد افزایش داشته است.<sup>25</sup> در سال 1975 استرالیا جنوبی اعلام کرد که همجنسگرایی مردان جرم نیست.<sup>26</sup> نهایتاً در نوامبر سال 2017، استرالیا ازدواج همجنسگرایان را به رأی گذاشت و اکثر افراد در حرکتی تاریخی به آن رأی مثبت دادند.<sup>27</sup>

به همین شکل، قوانین حقوق بشر نیز مدام در حال تکامل هستند، از به رسمیت شناختن حقوقی در پیمان نامه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل گرفته تا رویه‌های داخلی دولت‌ها و قواعد امره حقوق بین‌الملل. در اولین گزارش سازمان ملل درباره حقوق افراد لزبین، گی، دوجنسگرا و تراجنسیتی در سال 2011، به کشته شدن افراد در سراسر جهان، خشونت‌های از سر تنفر، شکنجه، بازداشت و جرم‌انگاری و تبعیض در حوزه اشتغال، سلامت و آموزش و جزئیات آنها به سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی واقعی یا فرضی افراد پرداخته شد. طبق این گزارش، همجنسگراستیزی و تراجنسیتی‌هراسی در تمام نقاط جهان وجود دارند. خشونت اعمال شده علیه این گروه به طور خاص در مقایسه با دیگر جرائم تعصب‌محور، پلیدتر بوده است. «نمونه‌ها اغلب درجه زیادی از خشونت و تبعیض را نشان می‌دهند که ضرب و شتم، شکنجه، مثله، اختگی و حمله جنسی را شامل می‌شوند.»<sup>28</sup> از سال 2003، مجمع عمومی از طریق قطعنامه‌های خود در زمینه اعدام‌های خودسرانه، غیرقانونی یا اختصاری به کرات خواستار توجه به قتل افراد به سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی آنها شده است. در سال 2011، شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه 19/17 را تصویب کرد که اولین قطعنامه سازمان ملل درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی بود و «نگرانی عمیقی» از خشونت و تبعیض علیه افراد به سبب هویت جنسیتی و گرایش جنسی را اعلام کرد. در سال 2014، شورای حقوق بشر سازمان ملل اولین قطعنامه خود را تصویب کرد که حقوق دگرباشان را به رسمیت می‌شناخت و در پی آن گزارشی از کمیسیون سازمان ملل منتشر شد که نقض حقوق دگرباشان از جمله جرائم از سر نفرت، جرم‌انگاری همجنسگرایی و تبعیض را مستند کرده بود. این حقوق وقتی بیشتر به رسمیت شناخته شدند که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از همه کشورهای که هنوز قوانینی برای حمایت از حقوق اساسی دگرباشان تصویب نکرده بودند خواست تا دست به اقدام بزنند. به همین ترتیب، شورای حقوق بشر سازمان ملل انواع قطعنامه‌ها را در زمینه حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی تصویب کرد.<sup>29</sup>

در سطح ملی قوانینی که دگرباشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. از رسمیت دادن قانونی به ازدواج با همجنس یا انواع دیگر همزیستی تا مرگ به عنوان مجازات رفتار جنسی/مانتیک با همجنس. در قاره آمریکا و اروپای غربی، از ماه مارس سال 2017، بیست و دو کشور ازدواج همجنسان را به رسمیت شناخته‌اند و اگر نه همه حقوق، ولی بیشتر حقوق انسانی را برای شهروندان دگرباش محترم می‌شمارند.<sup>30</sup> در آفریقا براساس گزارش‌های انجمن بین‌المللی گی و لزبین (ILGA) در سال 2015،<sup>31</sup> 34 کشور از 55 کشوری که توسط سازمان ملل یا اتحادیه

<sup>25</sup> (The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, WWW :pewglobal.org)

<sup>26</sup> <https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>

<sup>27</sup> (<http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>)

<sup>28</sup> UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva

<sup>29</sup> A/HRC/RES/32/2 S) - A/HRC/RES/17/19 and A/HRC/RES/27/32

<sup>30</sup> PEW Research Center. Gay Marriage around the World. <http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/> Accessed: October 1st, 2017.

<sup>31</sup> Anthony Appiah and Henry Louis Gates, Encyclopaedias of Africa, Volume 2 OUP, USA, 2010



آفریقا یا هر دو به رسمیت شناخته می‌شوند، همجنسگرایی را ممنوع کرده‌اند. در دنیای اسلام، در عربستان سعودی، سودان، یمن و موریتانی، لواط مستوجب مجازات مرگ است؛ چهارده کشور با جمعیت عظیم مسلمان، قوانینی دارند که مجازات مرگ را برای رفتارهای همجنسگرایانه در نظر می‌گیرند یا چنین اعدام‌هایی را مجاز می‌دانند.<sup>۳۲</sup> در ایران امروزی، لواط جرمی با مجازات اعدام است. از زمان انقلاب 1357 در ایران، دولت ایران بیش از چهار هزار نفر را به جرم همجنسگرایی اعدام کرده است.<sup>۳۳</sup> البته این چهار هزار اعدام را دولت ایران تأیید نکرده است و اطلاع از تعداد دقیق دگرباشانی که اعدام شده‌اند، کار آسانی نیست؛ اما به نظر می‌رسد اوضاع در ایران در حال تغییر است و در چند سال گذشته از اعدام‌های با حکم لواط و همجنسگرایی مستند نشده است و این نشان از تحمل سیستم در قبال قشر دگرباش از یکطرف و از طرفی نوعی استراتژی برای جلب توجه نکردن افکار جهانی و رسمیت نبخشیدن به حضور و موجودیت آنان در میان جامعه ایرانی دانست.

### دگرباشان در ایران؛ تکه‌های گمشده

در ایران وقتی جنسیت فردی پرسیده می‌شود، او نمی‌تواند گزینهٔ سومی را در نظر بگیرد. هر کسی یا مرد است یا زن. هرگونه فاصله‌ای با این نظام جنسی دوگانه در ایران در دستهٔ اختلالات رفتاری و روانی قرار می‌گیرد. قانون جزای موجود در ایران با افراد دگرباش به هیچ وجه مدارا نمی‌کند؛ ولی واقعیت این است که در بیشتر موارد این قوانین تنها در کتب قانون وجود دارند و به عمل نمی‌رسند. معمولاً سیستم با این گروه‌ها مدارا می‌کند. پلیس معمولاً به پاتوق‌های شناخته‌شدهٔ دگرباشان هجوم نمی‌برد و پلیس فتا اغلب به گروه‌های اجتماعی اجازه می‌دهد که در تلگرام، فیس‌بوک و واتس‌آپ با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. حتی وقتی پلیس به پاتوق‌های آنها هجوم می‌برد، معمولاً افراد را گرفتن تعهد آزاد می‌کند. این رویکرد تساهلی در خصوص زنان چندان مصداق ندارد. آنچه بیشتر به چشم می‌آید این است که حتی در میان اقلیت‌های جنسی، لزبین‌ها در صورت دستگیری در مقایسه با گی‌ها و دوجنسگرایان مرد با محدودیت‌های اجتماعی و سرکوب‌های سخت‌تری مواجه می‌شوند. این مشاهدهٔ مهم از مصاحبه با چند دگرباش در مشهد، تهران و اصفهان به دست آمد. آنچه اغلب در خانواده‌های محافظه‌کار دیده می‌شود این است که در مقطعی زنان حتی اگر لزبین و از رابطه با مردان منزجر باشند، باز هم مجبور به ازدواج می‌شوند. این معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که زیرساخت‌های رایج آنقدر قوی هستند که انتخاب‌های فردی و کنترل شخص بر انتخاب زندگی متأهلی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. برای آن دسته از لزبین‌هایی که برخلاف میل خود به ازدواج با مردان مجبور می‌شوند، این مسئله به آسیبی فلج‌کننده به سلامت روانی، جنسی و شخصی منجر می‌شود. آسیب دیگر طرد از جانب خانواده است. فشار روی لزبین‌های مسلمان بسته به اینکه کجا زندگی می‌کنند، متفاوت است. لزبین‌های مسلمانی که در غرب زندگی می‌کنند «برای دنبال کردن نقش‌های معمول جنسیتی از طریق ازدواج، از جانب خانواده متحمل فشار می‌شوند؛ چراکه بسیاری از آنها به معنای غربی کلمه به طور مشخص همجنسگرا نبودند»، در حالی که طرد از جانب خانواده برای لزبین‌های مسلمان ساکن کشورهای اسلامی به مراتب شدیدتر است. در برخی موارد، لزبین‌های مسلمان مجبور می‌شوند ابعاد مختلف هویت خود را بسته به موقعیت قطعه قطعه کنند. «این امر شامل قطعه قطعه کردن زندگی خود به حوزه‌هایی می‌شود که فرد در

<sup>32</sup> 2017 edition, *State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association*

<sup>33</sup> Vexen Crabtree (3 January 2014). "The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam". Retrieved 8 December 2014

آنها گی یا لزبین دیده می‌شود و فضاها و مکان‌های دیگری که این موضوع را در آنها پنهان می‌کند.» برای لزبین‌ها در ایران، ترکیب مرگ‌آور قوانین همجنسگرا ستیزانه و رویکردهای آشکار ضد دگرباشان در میان بسیاری از نهادهای انتظامی زندگی را به شدت سخت کرده است. چنین محدودیت‌هایی سبب می‌شوند بسیاری از لزبین‌های ایرانی به «زندگی زیرزمینی» روی آورند و به دلیل ترس از پلیس و تعقیب قضایی زندگی مخفی داشته باشند. در ایران همجنسگرایی رازی سرگشوده و ابراز آن مسیری دشوار و کاری است که تنها تعداد کمی از افراد حتی در شهری بزرگ مانند تهران به آن دست می‌زنند. برخلاف همجنسگرایان، افراد تراجنسیتی با قوانین راحت‌تری در ایران زندگی می‌کنند و دولت از عمل‌های تغییر جنس آنها حمایت مالی می‌کند. فتوای سال 1367 امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به روشنی بیان کرد که عمل تغییر جنس «راه‌حلی» است برای اختلال هویت جنسیتی. او از طریق این فتوای مذهبی به دولت اجازه داد تا بر این عمل‌ها نظارت کند. این نوع عمل‌ها را عمدتاً تحت عنوان GSC می‌شناسند. اما در عمل، بسیاری از آنها واقعاً میلی به جراحی ندارند. بنا به گزارش اخبار محلی در کمتر از چهار سال از 2006 تا 2010، تعداد 1360 عمل تغییر جنس در ایران انجام شده است.<sup>34</sup> بسیاری این عمل‌ها به مشکلات جسمی جدی، افسردگی و در مواردی خودکشی منجر می‌شوند.

### دیدگاه حقوقی ایران به دگرباشان

بنا بر قوانین ایران که بر پایه شریعت اسلام‌اند، همجنسگرایی غیرقانونی و مستوجب مجازاتی از صد ضربه شلاق تا اعدام است. در غیاب شواهد دیگر، «اعتراف» به مجازات به سی و یک تا هفتاد ضربه شلاق منجر می‌شود؛ اعترافی «که چهار بار تکرار شود» به عنوان مدرک جرمی که یا صد ضربه شلاق دارد یا اعدام، کفایت می‌کند. ماده 233، لواط را عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر می‌داند. ماده 234، مجازات حد لواط برای فردی که عمل دخول را انجام می‌دهد در صورتی که در این کار از زور یا اجبار استفاده شده باشد یا در شرایطی که شامل احسان می‌شود، اعدام در نظر گرفته است؛ در غیر این صورت باید به صد ضربه شلاق محکوم شود. مجازات حد برای مفعول رابطه در هر صورت (چه شرایط احسان را داشته باشد و چه نداشته باشد) اعدام است. اگر فاعل غیرمسلمان باشد و مفعول مسلمان، مجازات حد برای فاعل اعدام است. بر اساس ماده 235، تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است. ماده 236، در رابطه با تفخیز، حد فاعل و مفعول را صد ضربه شلاق می‌داند و از این جهت فرقی میان محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف نیست. ماده 237، همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت را موجب سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌داند. ماده 238، مساحقه را عبارت از اینکه انسان مؤنث اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد می‌داند. بر اساس ماده 239، حد مساحقه صد ضربه شلاق است. ماده 240، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف در حد مساحقه قایل نیست. از موارد بالا می‌توان دریافت که قوانین ایران رابطه همجنسگرایانه را جرم می‌داند و طیفی از مجازات‌ها را از 100 ضربه شلاق برای رابطه جنسی از سر رضایت بین دو زن (ماده 239) تا اعدام برای دخول جنسی از سر رضایت بین دو مرد (ماده 234) دربرمی‌گیرد. همچنین این قانون سایر رفتارهای مشابه بین دو همجنس همچون لمس و بوسیدن را جرم می‌داند و تا

<sup>34</sup> دگرباشان ایرانی و قوانین: <http://hir.harvard.edu/article/?a=9885>. 12 آوریل 2018

74 ضربه شلاق برای آنها در نظر می‌گیرد. مواد 232 و 233 «مفعول» یک رابطه جنسی از سر رضایت میان دو مرد را به مرگ محکوم می‌کنند، در حالی که قانون «فاعل» را به 100 ضربه شلاق (در صورتی که مسلمان و مجرد باشد) محکوم می‌کند.

## روش تحقیق

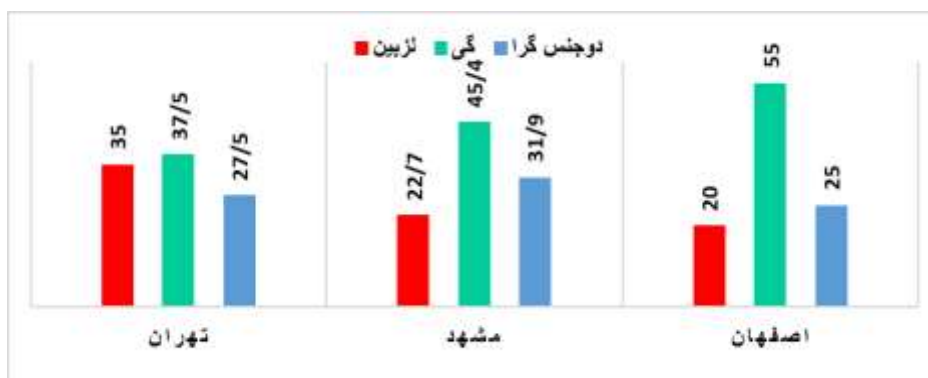
در این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی استفاده شده است که همه تکنیک‌ها، مفاهیم و زبان‌های کمی و کیفی را در یک مطالعه واحد در نظر گرفته است. اولین قدم برای جمع‌آوری داده در این پژوهش انجام پیمایش کمی بود. هدف پیمایش جمع‌آوری اطلاعاتی درباره افکار، رویکردها، باورها، ارزش‌ها، دریافت‌ها، شخصیت و الگوهای رفتاری شرکت‌کنندگان بود. همچنین مصاحبه‌های عمیق فردی با این بازیگران مهم داده‌های اصلی را فراهم کردند. در واقع این پژوهش در چارچوب دیدگاه تفسیرگرایی و رویکرد روش‌شناختی کیفی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای (GT) در سه کلان‌شهر تهران، اصفهان و مشهد انجام شده است. اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق جمع‌آوری شده است. به دلیل حساسیت فرهنگی و دینی موضوع پژوهش و دشواری دسترسی به نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند (گلوله برفی) استفاده شده است. این پژوهش شامل بیش از 400 روایت شخصی از تعصب و اشکال مختلف تبعیض، ارزوها و زندگی روزمره شان است که شرکت‌کنندگان دگرباش از سه شهر بزرگ ایران برشمردند.

## یافته‌های تحقیق

### الف) یافته‌های کمی

#### 1. گرایش جنسی پاسخگویان

نمودار شماره 1. توزیع گرایش جنسی دگرباشان

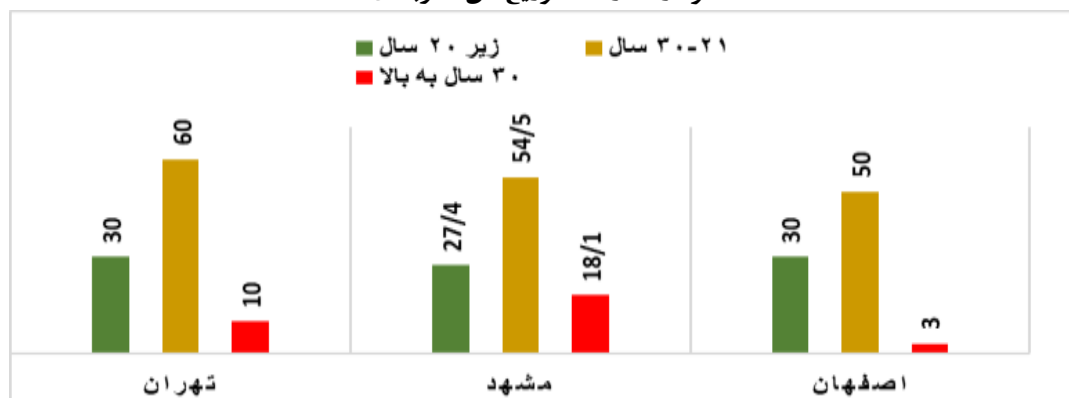


داده‌های نمودار شماره (1) نشان‌دهنده شیوع لزبین‌ها، گی‌ها و دوجنس‌گراها در جمعیت‌های نمونه تهران، مشهد و اصفهان است. در تهران شیوع به این ترتیب است: لزبین‌ها 35٪، گی‌ها 37.5٪ و دوجنس‌گراها 27.5٪. این ارقام در مشهد به این ترتیب هستند: لزبین‌ها 22.7٪، گی‌ها 45.5٪ و دوجنس‌گراها 31.9٪ و در اصفهان عبارتند از: لزبین‌ها

20% گی‌ها 55٪ و دوجنسگراها 25٪. این نمودار نشان می‌دهد که در همهٔ سه شهر تعداد گی‌ها به مراتب بیشتر از لزیب‌ها و دوجنسگراها است. نسبت 35٪ لزیب‌ها در تهران نشان‌دهندهٔ سطح آزادی نسبی آنها در مقایسه با مشهد و اصفهان است.

## 2. سن پاسخگویان

نمودار شماره 2: توزیع سن دگرباشان



نمودار شماره (2) توزیع سنی همجنسگرایان را در تهران، مشهد و اصفهان نشان می‌دهد. براساس این نمودار در تهران 30٪ همجنسگرایان زیر 20 سال و 60٪ آنها بین 20 تا 31 سال و 10٪ بالای 31 سال هستند. در مشهد 27.4٪ زیر 20 سال، 54.5٪ بین 21 تا 30 سال و 18.1٪ بالای 31 سال هستند. در اصفهان این ارقام به ترتیب 30٪، 50٪ و 7٪ هستند. یافته‌ها مشخصاً دلالت بر این دارند که همجنسگرایان در این جمعیت نمونه بیشتر در گروه سنی 20 تا 31 سال هستند. کاهش چشمگیری را می‌توان در گروه سی‌ساله‌ها دید.

## 3. وضعیت تاهل

نمودار شماره 3: وضعیت تاهل دگرباشان

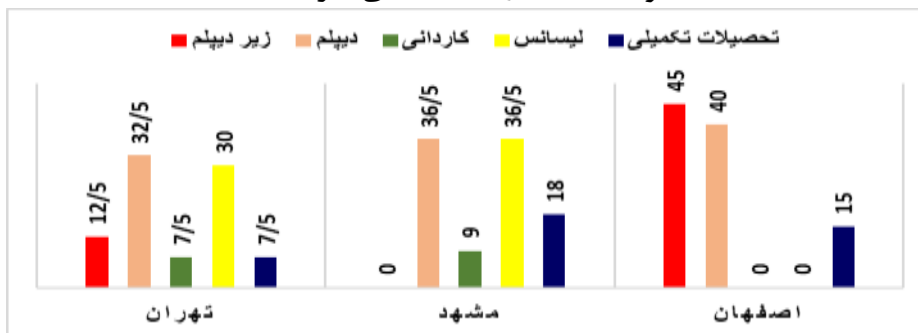


نمودار شماره (3) وضعیت تاهل پاسخگویان را مشخص می‌کند. صددرصد جمعیت نمونه مجرد است اگر چه تعدادی زیادی همجنسگرای مرد و زن ازدواج کرده در همه اجتماعات وجود دارند که غالباً مخفیانه ادامه زندگی داده و بسته به شرایط محیطی شریک جنسی دارند. به دلایل بسیاری، مردان و زنان همجنسگرا ممکن است رابطه را با فردی از جنس مخالف شروع کنند. یکی از علل غالب تشکیل خانواده ارزش سنتی و فشارهای اجتماعی آن است. براساس این نمودار،

همین جمعیت دلیلی برای وارد شدن به ازدواج و زندگی خانوادگی به شکل سنتی، مذهبی و قانونی نمی‌بیند. با این حال، با وجود تمکین کردن به درخواست‌های خانواده و جامعه، هر ازدواجی با این ماهیت به دلیل فشارهای جنسی و هویتی بر شریک همجنسگرا در هم می‌شکند. تنها درصد بسیار پایینی از این ازدواج‌ها دوام می‌آورند.

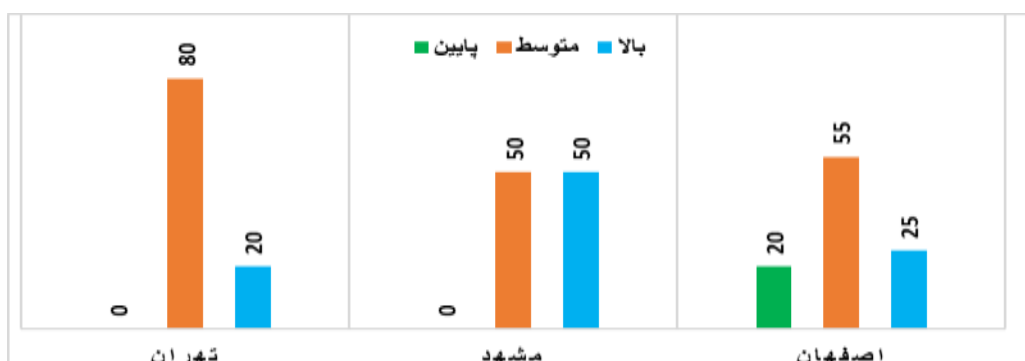
#### 4. تحصیلات

نمودار شماره 4. وضعیت تحصیلی دگرباشان



نمودار شماره (4) سطح تحصیلی همجنسگرایان را در تهران، مشهد و اصفهان نشان می‌دهد. در تهران 12.5٪ همجنسگرایان دیپلم ندارند، 7.5٪ آنها پیش‌دانشگاهی را تمام کرده‌اند، 30٪ مدرک کارشناسی دارند و 7.5٪ تحصیلات تکمیلی را به پایان برده‌اند. در مشهد این ارقام به ترتیب 9٪، 36.5٪، 36.5٪ و 18٪ است و در اصفهان 45٪ دیپلم ندارند، 40٪ دیپلم دارند و 15٪ تحصیلات دانشگاهی دارند. براساس نمودار، می‌توان گفت که ظاهراً تمایل جنسی یک فرد به موقعیت تحصیلی او بستگی ندارد. همجنسگرایی را می‌توان در تحصیل‌نکرده، فردی با تحصیلات پایین و افراد دارای مدارک بالای تحصیلی دید. نمودار نشان می‌دهد که بیشتر کسانی که دیپلم و مدرک کارشناسی دارند، مخصوصاً در اصفهان، تمایلات همجنسگرایانه دارند.

#### 5. جایگاه اقتصادی - اجتماعی



نمودار شماره 5. جایگاه اقتصادی - اجتماعی دگرباشان

نمودار شماره (5) به جایگاه اجتماعی-اقتصادی همجنسگرایان در تهران، مشهد و اصفهان مربوط می‌شود. در تهران 80٪ همجنسگرایان در طبقه متوسط و 20٪ در طبقه مرفه جای می‌گیرند. در مشهد 50٪ آنها در طبقه متوسط و 50٪ در طبقه مرفه هستند. در اصفهان، 20٪ همجنسگرایان در طیف جایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تر، 55٪ در طبقه متوسط و 25٪ در گروه‌های بالاتر هستند. کوهن در کتاب خود با عنوان «پسران بزهکار» (1995) می‌گوید که پسرانی با جایگاه اقتصادی پایین‌تر ناراضی و ناامید هستند. آنها همسو با دیگرانی با پیشینه اقتصادی مشابه اغلب گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند تا خرده‌فرهنگی را ترویج کنند که با هنجارهای طبقات متوسط و بالا در تضاد است. رفتار آنها اغلب ضد آن چیزی است که جامعه رفتاری قابل قبول می‌داند؛ اما برخلاف آنچه کوهن می‌گوید، نتایج مطالعه نشان می‌دهند که تماس جنسی اگر در راستای رفتار عمومی نباشد، در چهارچوب طبقه متوسط و بالا دیده می‌شود.

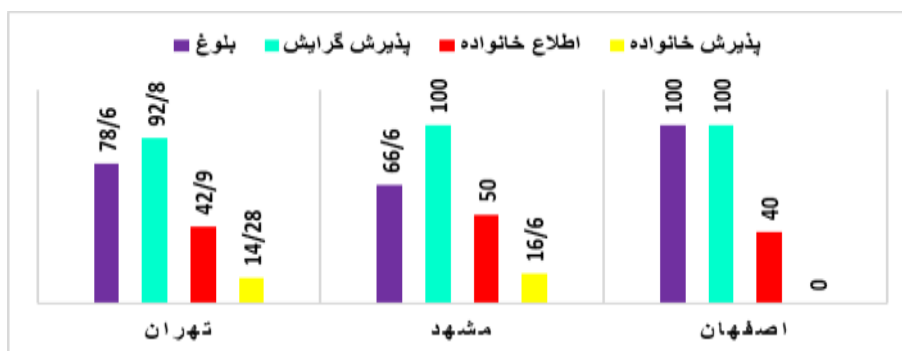
### ب) یافته‌های اصلی تحقیق

در این بخش یافته‌های اصلی که برگرفته از مصاحبه عمیق با دگرباشان می‌باشد خواهد آمد.

#### 1. افشای هویت و پذیرش گرایش جنسی

از زمانی که فرد دگرباش به هویت جنسی خود پی می‌برد تا وقتی که به مرحله پذیرش می‌رسد، ممکن است اوج و فرودهای بسیاری را تجربه کند. بسیاری از آنها نمی‌توانستند دقیقاً بگویند که چه زمانی به گرایش جنسی خود پی بردند. این امر ممکن است به سبب احساس آزاردهنده مستمر تفاوت با دیگران باشد؛ چراکه آنها از زمان کودکی به افراد همجنس خود تمایل داشتند. برای بسیاری از افراد این مشخص بارز نوجوانی و همه تغییرات هورمونی و فیزیولوژیک و بلوغ جنسی همراه آن بود. بسیاری از افراد با این کشف در سکوت کنار آمدند که به همجنس خود کشش دارند و از طریق انکار و تقلا سعی در تغییر گرایش جنسی خود داشتند. بسیاری می‌دانستند که نشانه‌های یک بزرگسال دگرجنسگرا و علاقه به جنس مخالف در آنها وجود ندارد. نسل خوشبین دگرباشانی که با تکنولوژی رشد کرده است، حالا نسلی است که جهان را اغلب از دریچه لنزهای دیجیتال می‌بیند. حالا چه این گشایش دری به وجود گرایش جنسی جمعی آنها تفسیر شود یا سبب پیدایش نسل جدیدی از روشنفکران جنسی در میان دگرباشان دوستدار تکنولوژی شود، محل گفت‌وگو است. آنچه مبرهن است این است که نفوذ فضای مجازی و گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی لاجرم تأثیری دائمی بر این گروه دارد. رسانه‌ها از جمله کانال‌های تلویزیونی و اینترنت و این واقعیت که مردم در استفاده از آخرین فناوری‌های ارتباطی به‌روز هستند و در سطح مناسبی زبان انگلیسی بلدند، همگی نقشی مهم در پرده برداشتن از هویت جنسی افراد بازی می‌کنند.

نمودار شماره 6. پذیرش گرایش جنسی دگرباشان



نمودار شماره (6) درصد همجنسگرایانی را نشان می‌دهد که در طول دوران بلوغ به گرایش جنسی خود پی برده و آن را به عنوان هویت جنسی خود پذیرفته‌اند؛ همچنین نشان می‌دهد که خانواده‌ها در سه شهر تهران، مشهد و اصفهان از همجنسگرایی مطلع شدند و آن را پذیرفتند. در تهران 78.6٪، در مشهد 66.6٪ و در اصفهان 100٪ پاسخ‌دهندگان اذعان کردند که از گرایش جنسی خود طی بلوغ آگاه شدند. از جهت پذیرش گرایش جنسی خود، 92.8٪ پاسخ‌دهندگان در تهران و 100٪ آنها در مشهد و اصفهان گفتند که همجنسگرایی را به عنوان گرایش جنسی خود قبول کرده‌اند. براساس نمودار بالا، در تهران 42.9٪، در مشهد 50٪ و در اصفهان 40٪ از افراد عنوان کردند که خانواده‌های آنها از گرایش جنسی‌شان مطلع بودند و 14.28٪ خانواده‌ها در تهران و 16.6٪ آنها در اصفهان هویت جنسی فرزند خود را پذیرفته بودند. برقراری ارتباط با والدین از سوی بیشتر پاسخ‌دهندگان مشکل توصیف شد. همان‌طور که در نمودار مشخص است، بین 40٪ تا 50٪ افراد از مطلع ساختن والدینشان از گرایش جنسی خود صحبت کردند. با این حال، میزان پذیرش نسبتاً پایین و بین 14٪ تا 16٪ در تهران و مشهد بود و در اصفهان این رقم زیر 2٪ بود. بیشتر خانواده‌های ایرانی از نظر اجتماعی محافظه‌کارند و به سختی به این باور وفادارند. آنها حتی اگر از گرایش فرزند خود باخبر باشند همیشه از آنها می‌خواهند تا این بخش هویت خود را با اعضای دیگر خانواده و افراد اجتماع در میان نگذارند.

## 2. ریشه‌های گرایش جنس

دو نظریه اصلی درباره علل گرایش به همجنس وجود دارد؛ یکی اینکه گرایش به همجنس اساساً تحت تأثیر عوامل ژنتیکی و بیولوژیک است و همجنسگرایی را مادرزادی می‌داند. به معنی ساده بر این اساس افراد «گی» به دنیا می‌آیند. نظریه دیگر می‌گوید که تمایلات همجنسگرایانه اساساً در نتیجه تأثیرات روانی و محیطی و تجربیات اولیه به وجود می‌آیند. در نهایت، احتمالاً چند عامل وجود دارند که در کنار هم می‌آیند و سبب همجنسگرایی می‌شوند.

---

مادرم تعریف می‌کند که از بچگی می‌خواستم پسر باشم. حتی برای من هم عجیب است. به آنها می‌گفتم من را فرهاد صدا کنید. پیراهن نمی‌پوشیدم. معمولاً دخترها تصویری از روز عروسی و این‌جور چیزها دارند، آن موقع فکر می‌کردم با یک دختر عروسی می‌کنم. دوستان دخترم را دوست داشتم؛ عاشق دختر همسایه شدم. بعدها عاشق دختر عموم شدم. چون هنجارهای اجتماعی به تو می‌گویند که دگرجنسگرایی عادی است، فکر می‌کردم پس همین است. فکر می‌کردم کار درست ازدواج با یک مرد است.

### 3. روابط همجنسگرایانه چطور شروع می‌شود؟

اولین رابطه جنسی معمولاً در مقطع متوسطه اتفاق می‌افتد، هرچند که در برخی موارد نادر در مقطع ابتدایی هم دیده شده است. چنین روابطی رفته‌رفته به تعاملات جنسی جدی‌تر می‌انجامند. در این سن، افراد هنوز معصومیت کودکی خود را دارند. آگاهی از گرایش جنسی خود حدوداً در دوران بلوغ تبلور می‌یابد و این همان وقتی است که هورمون‌ها شروع به فعالیت می‌کنند. تغییرات هورمونی که در شروع دوران بلوغ آغاز می‌شوند، سبب احساسات شدید و میل و برانگیختگی جنسی می‌شوند. هرچند تفاوت‌های زیادی بین افراد مختلف وجود دارد، برای دگرباشان نوجوان ایرانی کندوکاو این احساسات جنسی طبیعی در تضاد با پیام خشک و سخت جامعه است که می‌گوید میل و تماس جنسی با جنس مخالف ممنوع و از نظر شرعی حرام است.

در مورد پویایی روابط میان لزبین‌ها باید گفت که ایران تقریباً کشوری با ساختار غیرمنعطف پدرسالارانه است. گرایش جنسی همجنسگرایانه در ایران اغلب بر گفتمانی متمرکز است که به همجنسگرایان مرد می‌پردازد و لزبین‌ها و دوجنسگراها کمتر موضوع صحبت قرار می‌گیرند. اعضای اجتماع لزبین‌ها در جمهوری اسلامی ایران نه فقط در یک جامعه انعطاف‌ناپذیر مردسالار بزرگ شده‌اند، بلکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که گرایش جنسی آنها را بی‌ارزش و جرم می‌داند. این افراد با ترکیبی از تبعیض قانونی، آزار اجتماعی، خشونت خانگی و اعمال خشونت‌آمیزی دست و پنجه نرم می‌کنند که هم شهروندان و هم حاکمیت در آنها نقش دارند. در حالی که لزبین‌ها و همجنسگرایان آرمان‌های مشترکی همچون مبارزه با تفاوت‌های بنیادین در بافتار اجتماعی ایران، آموزه‌های سخت مذهبی و برجسب‌هایی دارند که مشخصاً همجنسگرایی را گناهی نابخشودنی می‌دانند، ساختار ایدئولوژی به شدت مردسالار حاکم بر لزبین‌ها را باید در نظر گرفت.

در میان شرکت‌کنندگان در این مطالعه در تهران، بیشتر افراد دانشجویان یا شاغلان جوان بودند و برخی از آنها اصالتاً اهل تهران نبودند. سبک زندگی مستقل آنها به گونه‌ای آنها را از چشمان کنجکاو خانواده دور نگه داشته و دغدغه‌ها و فشارهای اقتصادی همزیستی را گزینه‌ی بهتری برای آنها ساخته است. همچنین، در جامعه نیمه‌سنتی جوان، دانشگاهی فضای اقامتی مشترک عادی و قابل قبول است. بنابراین در حالی که دو فرد از دو جنس مخالف از نظر قانون و عرف به همزیستی تشویق نمی‌شوند، همزیستی دو مرد یا دو زن با پنهان کردن تمایلات جنسی، امری ناهنجار تلقی نمی‌شود. برخی این امکان را دارند که زندگی‌های موازی را به دور از چشم دوستان و اقوام پیش ببرند. جنبه‌های جنسی و عاطفی روابط اقلیت‌های جنسی بخش حیاتی مهمی از نظراتی بود که افراد حاضر به افشای آن هستند.

---

در دوره دانشگاه تجربه سختی پیش آمد که همه زندگی من را عوض کرد. کسی در دانشگاه بود و ما خیلی به یکدیگر علاقه‌مند بودیم. من به او ابراز علاقه کردم و او هم ظاهراً مشکلی نداشت. اما او دگرجنسگرا بود. به هر حال ما دو سال در رابطه بودیم که یک سال و نیم آن برای من خیلی سخت بود. به او وابسته شدم. زندگی من از دست رفت. استودیویی داشتم که در آن آواز می‌خواندم. همه چیز را کنار گذاشتم. دست از شعر گفتن کشیدم و شروع کردم به خوردن مشروب، بیشتر به این دلیل که رابطه اشتباهی را شروع کرده بودم.

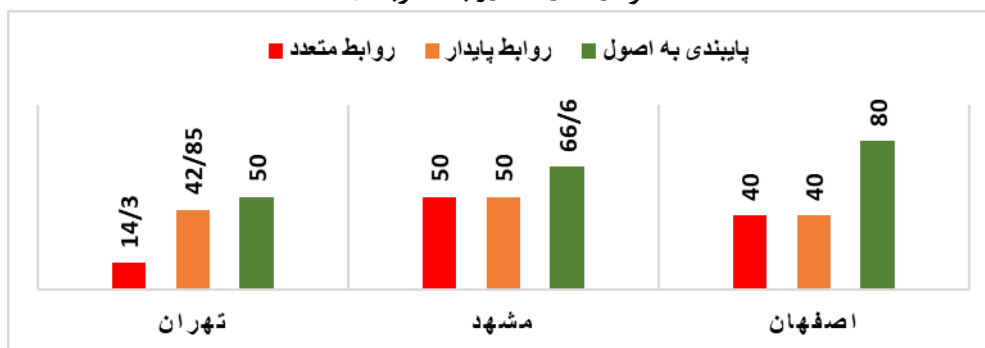
25 ساله، لزبین، مشهد

---



آنچه در همهٔ مصاحبه‌های گردآوری شده اهمیت داشت این بود که در تحلیل وضعیت اقلیت‌های جنسی در ایران توجه ویژه‌ای به بافتارهای اجتماعی و فرهنگی و محل سکونت دگرباشان شد. در این مطالعه مشخص شد که نوع تجربیات عاطفی و جنسی افراد در سه شهر مورد هدف به نوعی به بافتار جنسی شهر بستگی دارد و اینکه تفاوت‌ها به فرهنگ خاص حاکم بر هر ناحیه نسبت داده می‌شود. دگرباشان در تهران در قیاس با دگرباشان اصفهان و مشهد از آزادی بیشتری برای قرار ملاقات در پارک یا دسترسی به برخی پاتوق‌ها و مهمانی‌های آخر هفته (به نام Life) برخوردارند که می‌توانند یکدیگر را ببینند یا با هم قرار بگذارند. هرچند این اندک مکان‌های نسبتاً امن اجازهٔ نمایش سریع عواطف را می‌دهند، ترس از مقامات همواره در آنها وجود دارد. آنها همچنان با این خطر تهدید می‌شوند. با توجه به ماهیت تابوی این موضوع که در ایدئولوژی مذهبی و ناآگاهی جامعه از وجود دگرباشان پنهان شده است، مکان‌یابی افراد مشتاق برای شرکت در این مطالعه پژوهشی، خالی از خطر نبود. یکی از دلایل بروز این مشکل سطح بالای بی‌اعتمادی بود. این بی‌اعتمادی از یک طرف آنها را در انتخاب شریک جنسی وسواسی می‌کند و از طرف دیگر به طرز اجتناب‌ناپذیر طول عمر رابطهٔ آنها را کاهش می‌دهد. با توجه به عمر کوتاه رابطه‌ها، یافته‌های تحقیق نشان دادند که مصاحبه‌شوندگان از سختی بسیار پیدا کردن شریک صحبت کردند. چالش یافتن شریکی ماندگار به شدت بر دوش گی‌های ایرانی سنگینی می‌کند. در برخی موارد، آنها با دوستان شریک خود رابطه‌ای را شروع کرده بودند و پس از یک دورهٔ کوتاه رابطهٔ جنسی، رابطه پایان یافته بود.

نمودار شماره 7. روابط دگرباشان



نمودار شماره (7) شیوع روابط مشخص، پایدار یا متعدد را در میان دگرباشان در تهران، مشهد و اصفهان نشان می‌دهد و براساس این نمودار، 14.3٪ همجنسگرایان در تهران، 50٪ آنها در مشهد و 40٪ آنها در اصفهان روابط جنسی نامشخص متعدد دارند. اما 42.85٪ آنها در تهران، 50٪ آنها در مشهد و 40٪ آنها در اصفهان هم روابط پایدار دارند. همچنین 50٪ آنها در تهران، 66.6٪ آنها در مشهد و 80٪ در اصفهان به برخی اصول در روابط خود پایبند هستند.

#### 4. تأثیر همجنسگرایی بر خانواده

نقش خانواده همواره به فشاری بستگی دارد که دانسته یا ندانسته بر هر یک از اعضای خانواده به سبب نقش‌های فرضی، وضعیت اجتماعی، روانی و سیاسی نقش‌های مفروض وارد می‌شود. همجنسگرایی در درون خانواده معضل است؛ زیرا زندگی اجتماعی اغلب در قالب آن تجربیات اجتماعی ساخته می‌شود که ویژگی‌های مردانه دارند. گرایش جنسی خارج

از دوگانه مردانه-زنانه استمرار یک رابطه زنانه-مردانه پدرسالار و سرکوبگر را مختل می‌کند. اظهارات افراد در طول تحقیق نشان از دردی داشت که آنها در زمان پی بردن به تمایلات متفاوت خود و تصمیم برای پنهان کردن این تمایلات تجربه کردند. شرکت‌کنندگان به برخوردهایی در خانواده اشاره کردند که دردناک‌ترین تجربه زندگی آنها و چالشی عظیم بود. افراد دگرپاش سال‌هایی را در این جنگ نامتعادل مخفی کردن تمایل جنسی به هدر می‌دهند. در اجتماعات و گروه‌های خانوادگی، همجنسگرایی چیزی دانسته می‌شود که سبب شرمساری فرد و خانواده می‌شود و عواقب وخیمی برای همه اعضای خانواده و دوستان به همراه دارد. یکی از رایج‌ترین عواقب اجتماعی و اقتصادی این است که اعضای مؤنث به دلیل نبود خواستگاران مشتاق نمی‌توانند ازدواج کنند و اعضای مذکر ممکن است از کار اخراج شوند و کل جایگاه اجتماعی خانواده زیر سؤال برود.

خانواده‌هایی که از گرایش جنسی فرد آگاه هستند، بیهوده به انواع و اقسام تاکتیک‌ها متوسل می‌شوند تا فرد را تغییر دهند و عمیقاً باور دارند که گرایش جنسی وضعیتی قابل‌تغییر و مرحله‌ای گذرا است. این مطالعه نشان داد که اکثر مصاحبه‌شوندگان این واکنش خانواده را تجربه کرده‌اند؛ آنها عمیقاً باور دارند که می‌توانند فرد را به آنچه یک عضو عادی خانواده با میل جنسی بهنجار می‌دانند، تبدیل کنند. حتی در خانواده‌هایی که انعطاف‌پذیرتر و بازتر هستند، آمادگی برای استقبالی گرم از همجنسگرایی وجود ندارد. در برخی موارد این به طرد ناگهانی، محرومیت از ارث به عنوان فرزند و نکوهش منجر شده است. در موارد دیگر، فرد همجنسگرا - علی‌رغم کشش واضح به فرد همجنس - تسلیم رابطه‌ای پیچیده با فردی از جنس مخالف می‌شود تا فقط خانواده و دوستان را آرام کند. رنج و نارضایتی حاصل از ازدواج اجباری ضربه دیگری است که بر هویت شکننده فرد وارد می‌شود و لایه دیگری از آسیب روانی را به زخم عمیق آنها اضافه می‌کند.

---

می‌دانی، دوست نداشتم چنین تمایلاتی می‌داشتم و به همین خاطر است که فکر کردم با کسی از جنس مخالف ازدواج کنم. فکر کردم شاید این کار تمایلاتم را کم کند. اوایل بد نبود ولی بعد فهمیدم واقعاً نمی‌توانم.

35ساله، تهران

---

در مورد اقلیت های جنسی لزبین، شدت این واکنش های خانواده و جامعه سبب شده است که جایگاه از پیش نابرابری، فشار روانی، جسمی و جنسی را بر آنها چند برابر کند.

---

اگر دوباره به دنیا می‌آمدم دوست نداشتم همجنس‌باز می‌شدم. تا اینجا هر کاری که می‌شد کرده‌ام؛ با خانه‌های امن تماس گرفتم تا من را راه دهند و آنها شروع کردند به سخنرانی. به من گفتند احتمالاً دختر خوبی نیستی. دختر خوبی باش تا کتک نخوری.

نرگس، 27ساله، مشهد

---

## 5. مرحله طرد

هرچند رویکردهای مثبت به مردان گی و لزبین‌ها طی دهه‌های اخیر در جهان روبه‌فزونی بوده است، رویکردها نسبت به افراد دوجنسگرا اگر ضد و نقیض نباشند، نسبتاً خنثی هستند. علی‌رغم مطلوبیت درونی تصویر گی یا لزبین، دوجنسگرایی با آشفتگی ذهنی بسیار و پیچیدگی‌هایی همراه است. افراد دوجنسگرا که در سراسر تاریخ در خط مقدم

مبارزات دگرباشان بوده‌اند، همچنان اغلب از این گفتمان کنار گذاشته می‌شوند. تا جایی که منطقاً می‌توان اطلاع داشت، در ایران این پژوهش تنها پژوهشی است که در مورد اجتماع دوجنسگراها به عنوان گروهی مشخص انجام شده است. به هر حال، علاوه بر جایگاه این افراد در طیف جنسی آنچه وجه مشترک همه آنها است، مقابله خصمانه و واکنش خشن جامعه است. بزرگ‌ترین نگرانی آنها جدایی بالقوه دردآوری از خانواده و کسانی است که دوستشان دارند؛ اما در صورت ابراز هویت جنسی خود، آنها را نمی‌پذیرند. این ترس از رسوایی، بدنامی، استهزا و نهایتاً طرد سایه‌ای بر سر همه تعاملات اجتماعی اقلیت‌های جنسی می‌اندازد. همچنین واکنش‌های خانواده تحت‌تأثیر جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی والدین (مثل سطح تحصیلات، تعصبات فرهنگی و باورهای مذهبی) اند اما همگی کم‌وبیش یکی هستند. این یعنی حتی بازترین خانواده‌ها هم به دنبال مداخلات درمانی‌اند و اغلب فرد را مجبور می‌کنند که در تلاشی مذبحانه به دنبال درمانی برود تا ماهیت واقعی خود را تغییر دهد.

### 6. هویت: راهبردهای سازگاری

ماهیت «اقلیت جنسی» با ایدئولوژی‌های متضاد برای هر کسی که به این گروه تعلق دارد چیزی است که هر کس سعی دارد آن را تلطیف کرده، برای اینکه عادی‌سازی کند در چهارچوبی قرار دهد. برای پاسخ به جست‌وجوی هویت و یک سبک زندگی خاص، همجنسگرایان راهبردهای مختلفی را در پیش می‌گیرند تا خلأهای موجود در روابط خود را پر کنند و بتوانند در حین حفظ ثبات ذهنی و جنسی به زندگی خود ادامه دهند. یکی از چنین راهبردهایی سعی در «عادی ساختن» خود است. بعضی مثال‌ها عبارتند از انکار گرایش جنسی خود، دفن افکار مربوط به گرایش جنسی، تلاش برای تغییر هویت جنسی و مجبور کردن خود به رابطه با جنس مخالف. بسیاری از افراد وارد رابطه دوجنسگرایانه می‌شوند تا فقط از نظر اجتماعی قابل‌قبول جلوه کنند. این راهبردها مبنی بر کنار گذاشتن باقیمانده‌های هویت جنسی خود تنها راهکاری موقتی است و نهایتاً یک حواس‌پرتی نامطلوب است. در پس این جسارت، گرایش جنسی واقعی آنها همچنان باقی می‌ماند. از آنجایی که افراد دوجنسگرا احساس نمی‌کنند که به گروه همجنسگرایان یا دوجنسگرایان تعلق دارند، با انتخاب برچسب‌گی خود را تسکین می‌دهند و به این ترتیب در یک چهارچوب تعریف‌شده جای می‌گیرند.

### 7. تأثیر مذهب و باورهای مذهبی

تأثیر عظیم مذهب بر هویت و سبک زندگی افراد همین حالا هم شگرف است اما در مورد دگرباشان از این هم بیشتر است؛ چراکه باورهای مذهبی اسلامی اساساً همجنسگراهراس هستند. هرچه خانواده‌ای مذهبی‌تر و متعصب‌تر باشد، فشار بیشتری بر فرد وارد می‌کند. با توجه به جایگاه اجتماعی و بیولوژیک اقلیت‌های جنسی، مذهب اهرم فشار قدرتمندتری برای کنترل جنسی فراهم می‌کند. تفاسیر زیادی در گفتمان حاضر وجود دارد که آیا گی بودن در اسلام پذیرفته‌شده است یا نه و بسیاری در تلاش هستند تا معنویت و تمایل جنسی خود را همسو سازند. آن دسته از گی‌های مسلمان که تمایل جنسی خود را به عنوان عملی غیراخلاقی یا غلط مفهوم‌سازی می‌کنند همواره در تقلای عزت نفس هستند. برای مثال، این دیدگاه را در نظر بگیرید و به شکل وسیعی هم پذیرفته‌شده است و معتقد است همجنسگرایی گناه است. اسلام کنار برخی از ادیان دیگر موکداً و بدون تردید همجنسگرایی را رفتاری منحرفانه می‌داند. برای افراد دگرباش، شروع شناخت گرایش جنسی با یک ناامیدی معنوی و مذهبی اگزیزستانسیال سرکوب می‌شود. بسیاری شکی ندارند که همجنسگراهراسی با قدرت در فرهنگ ایرانی باقی می‌ماند. حس درونی‌سازی‌شده مذهب که هسته وجود فرد است،

مفاهیم اجتماعی و مذهبی زنانه و مردانه، و رابطه با غیرهمجنس به عنوان تنها رابطه اجتماعی پذیرفته شده در چهارچوب اسلامی سبب می‌شوند که فرد احساسات طبیعی خود را از منشور محکومیت صرف همجنسگرایی و ساختاری مذهبی مورد قضاوت قرار دهد. مشخص است که انگ همراه با همجنسگرایی در اجتماعات اسلامی اثرات عمیقی بر مسلمانانی می‌گذارد که خود را گمی می‌دانند. افراد دگرباش همواره موضوع تفسیرهای انسانی هستند و این تفسیرها ممکن است براساس زمان، مکان و شرایط اجتماعی تغییر کنند. در این راستا، بیشتر پاسخ‌دهندگان حامی تفسیر اخلاق محورتر متون مذهبی بودند که تکثر را گرامی می‌دارند و برای تفاوت بین مخلوقات خداوند ارزش قائل هستند و در مقابل تفسیر غالب از قرآن که متفکران برای محکوم کردن همجنسگرایی به آنها متوسل می‌شوند، مقاومت داشتند. مسلمانان به داستان لوط در قرآن متوسل می‌شوند (مانند داستان لات در انجیل) تا بگویند که اسلام مردانی را که به مردان عشق می‌ورزند، محکوم می‌کند. گمی‌های مسلمان زیادی تفسیر متفاوتی از آن دارند: این داستان خشونت را محکوم می‌کند و نه عمل جنسی خاص را. وقتی کسی از حمایت خانواده و اطرافیان محروم است و مذهب هم تسکینی نیست و فرد را طرد می‌کند، جای تعجب ندارد که فرد باورهای مذهبی خود را از دست می‌دهد.

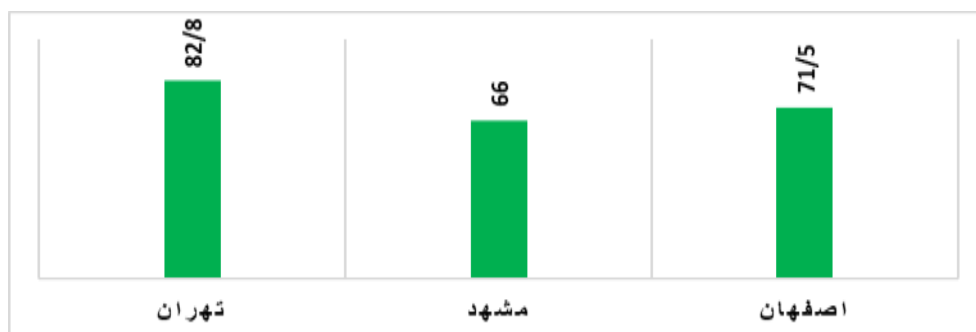
---

«من کاری برای اینکه خدا را تحت تأثیر قرار دهم، نمی‌کنم. نه نماز می‌خوانم و نه قرآن. روزه نمی‌گیرم. به خدا قسم می‌خورم و رابطه‌های خودم را هم دارم.»

28 ساله، دوجنسگرا از تهران

---

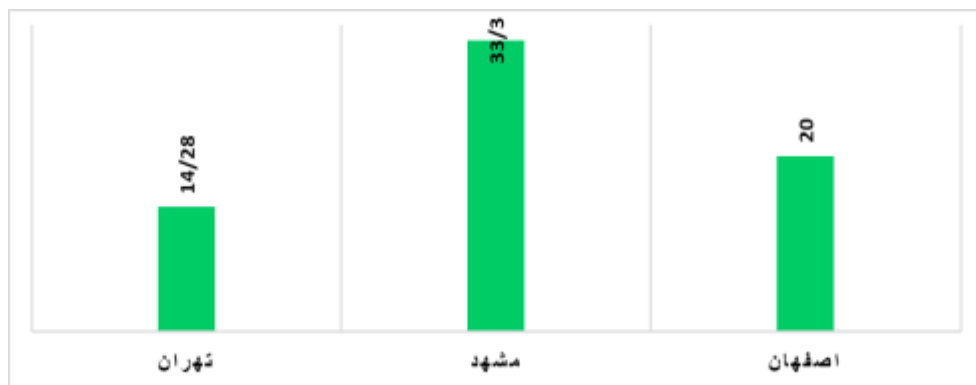
نمودار شماره 8. پابندی به اخلاق در میان دگرباشان



نمودار شماره (8) نشان‌دهنده نظرات جمعیت هدف نسبت به بعد اخلاقی همجنسگرایی است. 82.8٪ در تهران، 66٪ در مشهد و 71.5٪ جمعیت باور داشتند که همجنسگرایی پدیده‌ای عادی و طبیعی است. نیاز به مذهبی که گروه‌های دگرباشانی را به رسمیت بشناسد و بپذیرد که تمایل دارند سکولار باشند، در این مقطع از زمان دیده نمی‌شود. این امر سبب شده که بسیاری از افراد راهی جدید به سوی نیروی متافیزیکی و ایدئولوژی‌های معنوی جایگزین در زندگی خود در پیش بگیرند تا مذهب غالب و حاکم اسلام را دنبال کنند. این مفاهیم شامل انسانیت، باور به کرامت انسانی به عنوان مذهب واقعی یا تمایل به عرفان‌های تازه‌ای می‌شود که به سیالیت جنسی اعتقاد دارند. احتمالاً قرن حاضر می‌تواند روایت تاریخی از آمیختگی، مدارا و همزیستی باشد که از حمایت سطحی و هشنگ همبستگی به مراتب فراتر رفته است.

<p>ما محکوم هستیم، ما در کشوری مسلمان زندگی می‌کنیم، والدین ما مسلمان هستند و طبیعتاً ما مسلمان هستیم. ما به خدا و روز قیامت باور داریم اما این باور ضعیف است. اما من ایمان دارم. من خدا را انکار نمی‌کنم. با این حال، رابطه دارم، سکس دارم و همیشه سعی کرده‌ام این دو بعد را از هم جدا کنم. برای من، دگرجنسگرا یا همجنسگرا بودن به خدا، مذهب و آخرت ربطی ندارد. من آنها را به هم مربوط نمی‌کنم. من فکر نمی‌کنم گناهی کرده‌ام. باورهای مذهبی من ضعیف هستند؛ اما من این موضوع را به راحتی پذیرفته‌ام و مشکلی ندارم.</p> <p>گی، 23ساله، از اصفهان</p>	<p>به یاد می‌آورم که در کودکی با مادر و پدرم به مسجد می‌رفتم؛ اما بعد از این مسائل و مشکلات، در وهله اول حالت تدافعی نسبت به خدا پیدا کردم چون واقعاً تحت فشار بودم. خدا می‌توانست من را هم مثل افراد دیگر همجنس خلق کند، می‌توانستم زندگی عادی داشته باشم، ازدواج کنم، بچه‌دار شوم؛ می‌توانستم راحت زندگی کنم. من هنوز هم همان احساس را دارم. مسئله‌ای که ما با آن روبرو هستیم گاهی واقعاً باعث می‌شود باورهایمان را نادیده بگیریم اما این مشکل سبب شد بسیاری از باورهایمان را از دست بدهم. دوست دارم روزی بمیرم و فقط از خدا بپرسم چرا. کسانی هستند که من با آنها در ارتباط هستم و برخی دیگر مثل من همین مشکل را دارند. من واقعاً خسته شده‌ام. لژی، 31ساله، از مشهد</p>
---	---

نمودار شماره 9. میزان پابندی دینی پاسخگویان



نمودار شماره (9) نشان‌دهنده شیوع باورهای مذهبی در میان این جمعیت در تهران، مشهد و اصفهان است. طبق این نمودار، 14.28٪ همجنسگرایان در تهران، 33.3٪ آنها در مشهد و 20٪ در اصفهان به مفاهیم مذهبی مانند خدا و آیین‌هایی مانند نماز و روزه اعتقاد دارند. این داده‌ها نشان می‌دهند که همجنسگرایان در مشهد باورهای مذهبی قوی‌تری دارند؛ چراکه پرورش و اجتماعی شدن در سایه مذهب در این شهر شایع‌تر است. اصفهان و تهران مدرن‌ترند و باورهای مذهبی در آنها کمتر است.

### 8. تماس همجنسگرایان با قانون

رابطه‌ای ابدی و جدایی‌ناپذیر بین مذهب و هنجارهای جنسی در ایران و نظام حقوقی و قوانین وجود دارد که افرادی را که مذهب و هنجارهای جنسی را رعایت نمی‌کنند، مجازات می‌کند. مجازات‌های قانونی از طرف دولت، نظام قضایی و بازیگران غیردولتی مانند مدارس، اجتماعات و خانواده‌ها اعمال می‌شوند. قوانین ایران هیچ حمایتی در قبال تبعیض یا آزار به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاصی ارائه نمی‌دهند؛ هرچند این قوانین نقض حقوق بشر دانسته

می‌شوند. مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهند که آنها لغو چنین مجازات‌هایی را محتمل نمی‌دانند. وقتی از اقلیت‌های جنسی دربارهٔ اطلاعات حقوقی آنها پرسیده شد، بسیاری دربارهٔ جزئیات اجرای قوانین سردرگم بودند، هرچند برخی شرکت‌کنندگان از کلماتی مانند اعدام یا سنگسار و شلاق استفاده کردند. آن‌گونه که مشاهده شد در حالی که بسیاری از اقلیت‌های جنسی مشارکت‌کننده احساس می‌کردند که تحت کنترل هستند، حسی از بی‌اعتنایی هم دیده می‌شد؛ چون اخیراً موردی از اعدام و سنگسار گزارش نشده است و بسیاری احتمال چنین مجازات‌هایی را بسیار پایین می‌دانستند.

این تحقیق شاهد تهدید پلیس امنیت بود. حضور پلیس و نیروهای گشت ارشاد چندین بار باعث بر این شد که کار میدانی را متوقف شود و سبب شود تا شرکت‌کنندگان به سرعت متفرق شوند تا شناسایی نشوند. لازم به ذکر است که روش در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان متفاوت بود و حتی این تفاوت در ناحیه‌های مختلف یک شهر هم وجود داشت. علاوه بر مشکل تأمین امنیت شرکت‌کنندگانی که مایل به مصاحبه بودند، این روش پلیسی و فرار سبب شد کار مصاحبه با دخالت پلیس دشوارتر شود.

---

حالا گروه‌هایم (گروه دگرباشان در تلگرام) را پاک می‌کنم و فردا دوباره در گروه‌ها می‌گردم تا چیزی بهتر پیدا کنم، گروه‌هایم را پاک می‌کنم، تلفنم را خاموش می‌کنم. فکر کنم تا به حال 20 سیم کارت خریده‌ام و همه را سوزانده‌ام. به خودم می‌گویم ولش کن؛ دیگر این کار را نکن. قرآن باز می‌کنم؛ فردا دوباره دنبال گروه‌ها می‌گردم. دوباره دنبال مورد مناسب می‌گردم. فکر کنم تا الان ده باتری موبایل عوض کرده‌ام. من از صبح تا شب توی گوشی‌ام می‌گردم. مادرم می‌گوید: اگر به خدا دعا کنی شاید برگردی. شاید کاری پیدا کنی، سر کار بروی.

لژیبن، 27ساله، از تهران

---

### 9. معافیت سربازی، شانس یا راه دفاع؟

در ایران معمولاً وقتی مردی به سن قانونی می‌رسد (18 سال)، باید به خدمت سربازی اجباری دوساله برود. با کامل شدن این دورهٔ دوساله کارت می‌صادر می‌شود. بدون این کارت، مرد ایرانی نمی‌تواند رسماً خرید و فروشی انجام دهد، در فعالیت‌های رسمی بخش عمومی شرکت کند، به استخدام دولت دربیاید یا گذرنامه دریافت کند. برخی شرکت‌های بخش خصوصی از استخدام افرادی که خدمت سربازی نرفته‌اند، امتناع می‌کنند.<sup>35</sup> بعضی افراد سعی می‌کنند راهی برای اجتناب از این خدمت اجباری پیدا کنند. دگرباشان برای دریافت کارت معافیت باید به ارائهٔ مدارکی مبنی بر تراجنسیتی یا همجنسگرا بودن خود بپردازند. فرد باید آزمایشات پزشکی و ارزیابی‌های روانی را پیش از شروع این تجربهٔ دوساله انجام دهد. گاهی فرد همجنسگرا دربارهٔ نقش یا موقعیت جنسی خود دروغ می‌گوید و تظاهر می‌کند که شریک جنسی مونث است یا آرایش و پوشش خاصی را انتخاب می‌کند تا رأی دادگاه را ببرد و معاف شود. در چنین مواردی، همجنسگرایی یک تمایل جنسی بیولوژیک نیست، بلکه تظاهر بیرونی چیزی است که ظاهری زنانه دانسته می‌شود. علاوه بر آرایش، پوشش و ظاهر، اندازهٔ یک فرد هم نشانهٔ مشخص تعیین‌کننده‌ای است: افراد همجنسگرا با بدن‌های مردانه درشت کمتر شانس برنده شدن در دادگاه را دارند.

<sup>35</sup> Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption - Al-Monitor. [www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/](http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/)

اغلب اوقات و نه همیشه یک آزمایش مقعدی کامل پراسترس و کاملاً تحقیرکننده بعد از ارزیابی روانی انجام می‌شود. اگر مشاهده پزشک شواهدی مبنی بر وقوع دخول بین دو همجنس را نشان داد، این موضوع رسماً مکتوب و به ارتش فرستاده می‌شود. در برخی موارد، آزمایش‌های جزئی‌تری هم انجام می‌شوند تا تصمیم‌گیران از وضعیت متقاضی مطمئن شوند و اطمینان حاصل شود که ادعای همجنسگرایی صحت داشته تا اینکه راهی برای فرار از خدمت سربازی بوده باشد.

۳۶

گرفتن معافیت سربازی به شدت برای مردان همجنسگرا و دگرجنسگرا متفاوت است. برای دگرجنسگراها، معافیت یعنی حفظ دو سال از جوانی، ازدواج و شانس تحصیل و پیدا کردن شغل. اما، برای همجنسگرایان هرچند معافیت برای لحظه‌ای به آرامش و امنیت می‌رسد، به سرعت به اضطراب حاصل از زندگی در میان کسانی می‌انجامد که ممکن است به آنها حمله کنند. در پی این آرامش کوتاه‌مدت، اشتغال می‌آید که موضوع مهمی است. یکی از پیامدهای محسوسی که افراد جویای کار دارای کارت احساس می‌کنند، این است که معافیت آنها حالا پیدا کردن شغل را برایشان به شدت سخت می‌کند. این کارت سبب می‌شود که فرد در بازار خریداری نداشته باشد. بیماری روانی یا اختلال شخصیت دلایلی هستند که روی کارت ذکر می‌شوند. اختلال شخصیت بلافاصله عبارتی نرم‌تر برای همجنسگرایی دانسته می‌شود. گاهی کارت شماره قانونی را هم که تحت آن معافیت داده شده است، نشان می‌دهد. بنابراین، تشخیص علت معافیت بسیار آسان است. از آنجایی که بسیاری از کارفرمایان با استخدام مردان همجنسگرا راحت نیستند، به دست آوردن شغل برای گی‌های معاف‌شده بسیار دشوار است.

### 10. خدمات مشاوره و کمک‌های دیگر

وقتی کسی نزد یک روانپزشک می‌رود، معمولاً آسیبی روانی در کار است. وقتی یک دگرباش به سراغ روانپزشک می‌رود تا موضوعی را در رابطه با گرایش جنسی خود مطرح کند، معمولاً به دنبال درمان یا تغییر نیست بلکه در تلاش برای رویاروی با تمایل جنسی خود و به دنبال یک نوع آشتی است. روانپزشکان بسیاری با راه‌حل‌های «منفی» به این پاسخ داده‌اند. برای مثال، روانشناسی رابطه با فردی از جنس مخالف را با هدف تغییر گرایش جنسی فرد پیشنهاد می‌دهد. این راه‌حل‌ها نهایتاً سبب می‌شوند که شرکت‌کنندگان به روابط پیچیده‌تری وارد شوند که برانگیختگی جنسی و غم را در پی خواهند داشت و به احساس از دست رفتن هویت منجر می‌شوند.<sup>۳۷</sup> با وجود اجماع کلی بر سر این موضوع که همجنسگرایی بیماری روانی نیست، روانپزشکان «کارکشته‌ای» در ایران وجود دارند که همجنسگرایی را بیماری می‌دانند و سعی می‌کنند فرد را درون چهارچوب تعریف‌شده نقش‌های جنسی قرار دهند.

اقلیت‌های جنسی به نقش مشاوران و روانپزشکان بی‌اعتماد و نسبت به آنها منفی هستند. احتیاط و محافظه‌کاری مستمری که همواره در همه زندگی با دگرباشان همراه است حتی در حضور یک مددکار اجتماعی یا روانکاو هم ادامه می‌یابد. بی‌اعتمادی به فرد اجازه نمی‌دهد تا سپر خود را زمین بگذارد و مشکلات خود را بازگو کند. او از درخواست حمایت یا مشاوره و توصیه‌ای مفید عاجز است. موضوع مهم دیگر دوگانه جنسیت در این ملاقات‌ها است. این مطالعه نشان داد که در بین شرکت‌کنندگان مرد، درخواست کمک حرفه‌ای نشانه‌ای از ضعف شمرده می‌شد. مردان تمایل

<sup>36</sup> Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption - Al-Monitor. [www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/](http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/)

<sup>37</sup> History of Treatment/The Medical Treatment of Homosexuality. edited by Cabaj & Stein, American Psychiatric Association, 1996.

کمتری برای ابراز «ضعف» از خود دارند. از طرف دیگر، شرکت‌کنندگان زن برای کمک و مشاوره گرفتن مشتاق‌تر بودند. با توجه به اینکه روانشناسی در فرهنگ عمومی مسئله‌ای جدید است، مراجعه به روانپزشک همچنان یک انگ است. برخی افراد روانشناسان دولتی را هنگامی که استطاعت پرداخت مشاوره‌های خصوصی را ندارند، انتخاب می‌کنند. این افراد به روانشناسانی از سازمان بهزیستی به عنوان بیمار معرفی می‌شوند تا از جلسات مشاوره رایگان بهره‌مند شوند. در این جلسات، کارشناسان راهبردها و راه‌حل‌های محدودی برای درمان «بیماران همجنسگرا» دارند. این روانشناسان عمدتاً کارمند دولت هستند. وقتی همجنسگرایی جایی در قوانین ایران ندارد، مشاوره با یک روانشناس دولتی قابل درک نیست. در واقع روانشناسی که حتی پذیرش گرایش جنسی خود را به عنوان یک رخداد طبیعی در طیف جنسی پیشنهاد می‌کند، اساساً موضعی علیه اصول تعریف‌شده از سوی کارفرمای خود یعنی دولت می‌گیرد. این امر حتی ممکن است به لغو پروانه کار روانشناس منتهی شود. گروه دوم افرادی معمولاً از خانواده‌های متمول هستند که می‌توانند از لحاظ مالی به روانشناسان خصوصی مراجعه کنند که در مراکز شهری مطب خصوصی دارند و هیچ وابستگی به دولت ندارند. این روانشناسان درک نسبتاً بهتری از مسائل هویت جنسی دارند و شاید کمتر نگران اتولوژی و تمرکز بر درمان همجنسگرایی باشند؛ بنابراین آنها می‌توانند با قدرت و اختیار بیشتری مشاوره بدهند.

### 11. خشونت و سلامت روان همجنسگرایان

نرخ واقعی افسردگی و اضطراب در میان لژیبن‌ها مشخص نیست؛ اما در مجموع می‌توان گفت که لژیبن‌ها نرخ بالاتری از مشکلات روانی را به خود اختصاص می‌دهند. مطالعه‌ای ملی در ایالات متحده آمریکا نشان داد که نرخ اختلال اضطراب در میان لژیبن‌ها بیشتر از زنان دگرجنسگرا است.<sup>38</sup> در عوض، مطالعه دیگری در هلند نرخ بالاتری از افسردگی را در میان لژیبن‌ها نسبت به زنان دگرجنسگرا نشان داد و نه نرخ بالاتری از اضطراب را.<sup>39</sup> همین مطالعه نشان داد که لژیبن‌ها دو برابر دیگران دست‌کم دو بار در زندگی دچار مشکلات سلامت روان می‌شوند. ریسک افسردگی و دیگر مشکلات سلامت روان، از جمله افکار خودکشی، ظاهراً در بین لژیبن‌هایی که هویت جنسی خود را افشا نکرده‌اند<sup>40</sup> و آنهایی که تجربه زورگویی و تبعیض داشته‌اند، بالاتر است.

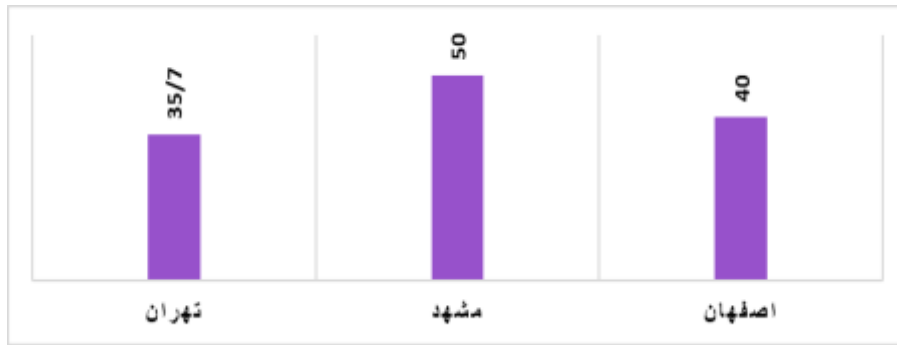
### نمودار شماره 10. میزان افسردگی و خودکشی پاسخگویان

<sup>38</sup> Cochran, S.D., V.M. Mays, and J.G. Sullivan, Prevalence of mental disorders, psychological distress, and mental health services use among lesbian, gay, and bisexual adults in the United States. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 2003. 71(1): p. 53-61

<sup>39</sup> Sandfort, T.G., et al., Same-sex sexual behavior and psychiatric disorders: findings from the Netherlands Mental Health Survey and Incidence Study (NEMESIS). *Archives of General Psychiatry*, 2001. 58(1): p. 85-91

<sup>40</sup> Koh, A.S. and L.K. Ross, Mental health issues: a comparison of lesbian, bisexual and heterosexual women. *J Homosex*, 2006. 51(1): p. 33-57  
Kitts, R. Adolescence. Gay adolescents and suicide: understanding the association. *Adolescence*, 40(159), 621-628. 2005.





نمودار شماره (10) نشان دهنده افسردگی و خودکشی در میان همجنسگرایان در تهران، مشهد و اصفهان است. تهران با 35.7%، اصفهان با 40% و مشهد با 50% موارد خودکشی نشان داده می‌شوند. این ارقام به ما می‌گویند که به دلیل رواج ارزش‌های سنتی و فشارها در مشهد و در نتیجه نرخ بالاتر خشونت و تبعیض، موارد خودکشی در میان همجنسگرایان این شهر بیشتر است. نهایتاً، مجموع مشکلات مزمنی که بیشتر اقلیت‌های جنسی روزانه تجربه می‌کنند، همچون تمسخر در خانه، مدرسه و محیط کار و حتی در خیابان، خطر بالای دستگیری، بهره‌کشی، زورگویی و آزار جنسی به شرایط ناعادلانه، غیرانسانی و غیرقابل تحمل زندگی منجر می‌شوند. بسیاری با سرکوب اجتماعی و حاکمیتی زندگی می‌کنند. وقتی چنین شرایطی ثابت باقی می‌ماند، راه برای آسیب‌های اجتماعی بیشتر مانند اچ‌آی‌وی، خشونت، اختلال روانی، افسردگی و خودکشی بیشتر باز می‌شود. واکنش‌های خشن و توهین‌آمیزی که در خیابان و اماکن عمومی دیده می‌شوند در اجتماع آنها، جایی که جنسیت مورد قضاوت قرار می‌گیرد و با انزجار و تنفر دیده می‌شود، هم نمود پیدا می‌کنند.<sup>41</sup> این واکنش‌ها در محیط کار هم دیده می‌شوند که افراد بخش قابل توجهی از وقت خود را می‌گذرانند. این تنها مختص ایران نیست. در کل در سراسر جهان، دگرباشان با تبعیضی گسترده در محیط کار روبرو هستند و بار دیگر مشخص می‌شود که ایران استثناء نیست. موانع پیش‌روی دگرباشان برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی به همراه خشونت و مسائل مربوط به سلامت روان که این جماعت با همجنسگراهراسی تجربه می‌کنند، می‌توانند تعداد سال‌هایی را که دگرباشان قادر به کار هستند، کوتاه کنند.

**فکر می‌کنم آخرش هر زنی باید به مردی تکیه کند. حتی در روابط لزبین‌ها، کسی که نقش شریک قوی‌تر را بازی می‌کند، همچنان به کسی قوی‌تر از خودش نیاز دارد تا به او تکیه کند.**

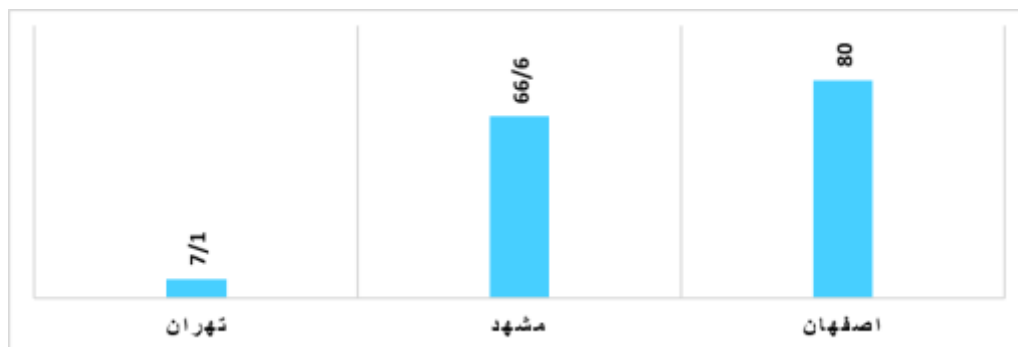
*18ساله، لزبین*

در ایران، اقلیت‌های جنسی نمی‌توانند از تمامی حقوق مدنی و قانونی خود بهره‌مند شوند و نمی‌توانند در جریان یک رابطه ناسالم خشونت‌آمیز از خود دفاع کنند و به مراجع قضایی و انتظامی مراجعه و اعاده حق کنند. در واقع به شکل گسترده و نظام‌مندی، دگرباشان از حق حمایت قانونی محروم‌اند. از آنجایی که قوانین در ایران همین حالا هم رابطه آنها

<sup>41</sup> Gay and Transgender People Face High Rates of Workplace ...[www.americanprogress.org/issues/lgbt/news/2011/](http://www.americanprogress.org/issues/lgbt/news/2011/)

را در تقابل مطلق با هنجارهای مذهبی و نوعی نافرمانی می‌بینند، اقلیت‌های جنسی که ترس از افشای هویت خود دارند رابطه راحتی با این نظام حقوقی، پلیس و نیروهای انتظامی ندارند.

نمودار شماره 11. میزان خشونت و تبعیض علیه دگرباشان



نمودار شماره 11) درصد خشونت، تبعیض و تحقیر تحمیل‌شده به همجنسگرایان در تهران، مشهد و اصفهان را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، بیشترین خشونت و تبعیض در اصفهان (80٪) و سپس در مشهد (66.6٪) و تهران (7.1٪) رخ می‌دهد. در قیاس با تهران، مشهد و اصفهان سنتی‌تر و مذهبی‌تر هستند؛ بنابراین همجنسگرایی را انحراف و ناهنجاری می‌دانند. جای تعجب نیست که این دو شهر نرخ بالایی از خشونت علیه همجنسگرایان را نشان می‌دهند.

## 12. بچه‌بازی

بچه‌بازی به رابطه بین مردان میانسال با پسر بچه‌ها و یا پسران جوان‌تر گفته می‌شود که معمولاً با خشونت، آزار و فریبکاری همراه است. بررسی پیچیدگی‌های عمیق رابطه بین مردان میانسال و پسران جوان به گفتمان جامع‌تر و متفاوت‌تری می‌انجامد. این رابطه یک‌طرفه جنسی با آزار در کودکی، بهره‌کشی جنسی و تجاوز در هم پیچیده شده است. حتی وقتی پسر جوان (به عنوان شریک مؤنث) به فرد مسن‌تر دلبستگی پیدا می‌کند و از این رابطه آگاه است، همچنان تا حدودی حق انتخاب و آزادی ندارد. وقتی فرد مسن‌تر نیتش را روی قربانی خود پیاده می‌کند، به او یاد نمی‌دهد بلکه در مسیر مطلوب خود هدایتش می‌کند. موارد متعددی از این گونه سوء استفاده‌های جنسی در نظام آموزشی کشور در سالیان اخیر خبرساز شده است.

---

من همجنسگرا هستم؛ آدمی عاطفی هستم. با کسی که به نظر خوب و صادق می‌آمد دوست شدم. با او صمیمی شدم. بعد از مدتی از من خواست تا همراهش به خانه‌اش بروم. به شدت احساسات گرم و صمیمیت از خودش نشان داد و گفت که ما یک زوج واقعی و بهترین زوج هستیم. عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتیم. نهایتاً آنجا رفتیم و متوجه شدم دو سه نفر دیگر هم هستند. آنها به شدت مرا کتک زدند، دست‌ها و پاهایم را بستند و هر کار می‌خواستند کردند. حالا من خون‌ریزی دارم، نابود شده‌ام و ذهنم داغون شده است.

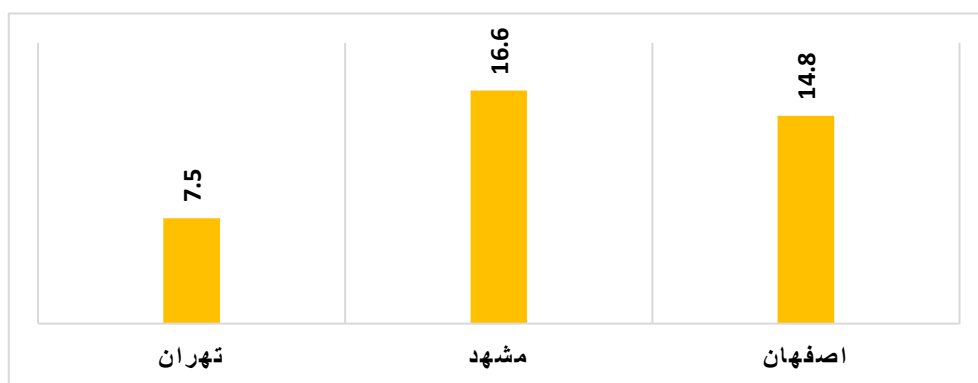
گی، 25 ساله، از اصفهان

در چهارچوب این رابطه یک‌سویه مسائل زبانی هم وجود دارد. به مردانی که شریک جنسی همجنس برای خود دارند اصطلاح نامناسبی بکار برده می‌شود که صفت توهین‌آمیزی است (کونی) و برای کوچک کردن دیگری استفاده می‌شود. شیوع چنین زبان جهت‌دار جنسیتی و تأثیر آن بر درک و پذیرش جامعه از کلیشه‌های زنانه و مردانه، مردان «فاعل» را در موقعیت احترام‌آمیزی قرار می‌دهد. آنها همان کسانی هستند که اختیار و کنترل رابطه جنسی را برای تعیین قواعد و شرایط در دست دارند. این مردان قدرت دخول دارند. برعکس، شریک مؤنث شخصیتی پست‌تر و بی‌ارزش دیده می‌شود و بنابراین نقش جنسی او با فحاشی و زبان تحقیرآمیز ذکر می‌شود.

نه، خوشم نمی‌آید. یکی دو تا اسباب‌بازی جنسی در خانه دارم. کسی که با او می‌چرخیدم دو تا به من داد تا آنها را به خانه ببرم. گفتیم نمی‌خواهم. گفت بردار و وقتی آمدم خودم استفاده می‌کنم. خیلی خوشم نمی‌آید. این کار را با یک تکه پلاستیک انجام دادن لذتی ندارد. 62 ساله، تهران

داده های نمودار شماره (12) میزان سوء استفاده از دگرباشان را در کودکی نشان می‌دهد. براساس نمودار، 7.5٪ همجنسگرایان در تهران و 16.6٪ آنها در مشهد و 14.8٪ در اصفهان در کودکی مورد تجاوز واقع شده‌اند.

نمودار شماره 12. میزان سوء استفاده از دگرباشان



### 13. ازدواج و فرزندخواندگی

همان‌طور که به کرات در مصاحبه‌ها گفته شد، مسئله مزمن دیگر برای همجنسگرایان و دوجنسگرایان ایرانی این است که پیوند آنها به طور قانونی به رسمیت شناخته نمی‌شود. آنها با ناتوانی مطلق خود برای ازدواج و رسمی کردن رابطه خود در تقلا هستند. ایران کشور دوستدار ازدواج همجنسان نیست. بدیهی است که وقتی شانس برای رابطه رسمی نیست، رابطه غیررسمی است و در بسیاری از مواقع سطحی و پیش‌پاافتاده است که در نتیجه به آسیب عاطفی بیشتر در بین همجنسگرایان منجر می‌شود. براساس مقررات سازمان بهزیستی، در حال حاضر کسانی که از نظر روانی، جسمی و مالی واجد شرایط باشند، می‌توانند برای فرزندخواندگی اقدام کنند. افراد جوان و مجرد هم شامل این قانون می‌شوند؛ اما از آنجایی که اقلیت‌های جنسی در ایران شانس برای ازدواج با فردی همجنس خود ندارند، به طور خودکار برای درخواست فرزندخواندگی واجد شرایط دانسته نمی‌شوند.

## 14. فقدان آموزش مسائل بهداشتی و جنسی

شرکای جنسی متعدد یا روابط متعدد می‌توانند به مشکلات سلامت منجر شوند. آنچه در میان شرکت‌کنندگان شاهد بودیم این بود که مسئله سلامت برای آنها نگرانی کوچک‌تری بود. براساس نظرات آنها، توجه به مسائل بهداشتی به استفاده از کاندوم و قرص‌های ضدبارداری محدود می‌شد. گاهی افراد برای چکاپ و آزمایش خون به مراکز بهداشت مراجعه می‌کردند؛ اما این موارد هم در تعداد بالا گزارش نشدند. در میان گی‌ها ترس زیادی از ایدز وجود دارد. اکثر آنها گزارش کردند که بیشترین افرادی که به ایدز مبتلا شده‌اند، گی بوده‌اند. در روز جهانی ایدز (اول دسامبر 2017)، وزیر وقت بهداشت ایران، آقای حسن هاشمی، اعلام کرد که ایران با رشد فزایندهٔ اچ‌آی‌وی روبرو است. او که در کنفرانسی دربارهٔ آگاهی از ایدز در وزارت بهداشت سخن می‌گفت، یادآور شد که طی یازده سال گذشته موارد ایدز نه برابر شده است. او همچنین هشدار داد که نبود آموزش جنسی و تابوهای اجتماعی حول بیماری‌های مقاربتی در جامعهٔ ایران عواملی هستند که در این روند روبه‌رشد نقش دارند. موارد جدید اچ‌آی‌وی به سبب رابطهٔ جنسی نایمن در مقابل روند پیشین ابتلا از طریق تزریق مواد مخدر روبه‌افزایش هستند؛ اما تابوهای فرهنگی حول گفتمان رابطهٔ جنسی همچنان نقاب سکوت را بر چهرهٔ این فاجعه می‌زنند.<sup>۴۲</sup>

سکس مقعدی، سکس دهانی و بی‌توجهی به ملاحظات بهداشتی ریسک این بیماری را بالا می‌برند. با وجود ترس شدید از ایدز و خطر ابتلای به آن در میان گی‌ها، معمولاً نرخ آگاهی از سلامت جنسی و مسائل مرتبط در میان اقلیت‌های جنسی پایین است. برای مثال، گی‌ها، دوجنسگراها و دیگر مردانی که با مردان دیگر رابطهٔ جنسی دارند، باید مرتب برای بیماری‌های مقاربتی مورد آزمایش قرار گیرند، حال یا به دلیل احساس شرم یا ترس از گزارش شدن به مقامات، مردان همجنسگرا برای چکاپ‌های مرتب و آزمایش بیماری‌های مقاربتی اقدام نمی‌کنند. در مقابل، لزبین‌ها کاملاً از وجود کاندوم‌های زنانه بی‌خبر بودند. همچنین مشخص شد که استفاده از اسباب بازی جنسی در بین همجنسگرایان و دوجنسگراها رایج است. این خود علت دیگری است برای بیماری‌های مقاربتی. اینکه آیا همجنسگرایان نسبت به دوجنسگرایان از اسباب بازی‌های جنسی بیشتری استفاده می‌کنند یا نه، جای بحث دارد. در بین زنان لزبین، استفاده از اسباب بازی‌های جنسی همچون ویبراتور و دیلدو شایع است.<sup>۴۳</sup> این اسباب‌بازی‌ها بیشتر به صورت غیرقانونی از بازار سیاه و اینترنتی خریداری می‌شوند تا از منبعی مطمئن و به همین دلیل اغلب استریل نیستند. اسباب‌بازی‌های جنسی می‌توانند باعث انتقال عفونت‌های مقاربتی از طریق خون شوند. آموزش بهداشت جنسی از طرف سازمان‌های بین‌المللی به مثابه یکی از مصادیق حقوق بشر، ضرورتی برای توسعه و ترویج برابری شناخته شده است.<sup>۴۴</sup> در ایران آموزش بهداشت جنسی برای افراد غیرمتاهل از نظر اجتماعی مورد نکوهش است.

نمودار شماره (13) درصد همجنسگرایانی را نشان می‌دهد که رابطهٔ جنسی ایمن را در روابط خود در نظر می‌گیرند. در تهران، مشهد و اصفهان افراد زیادی تمهیداتی برای حفاظت خود در مقابل خطرات بهداشتی در پیش نمی‌گیرند. در مشهد 83.3٪، در تهران 71.4٪ و در اصفهان 60٪ همجنسگرایان مسائل بهداشتی را رعایت نمی‌کنند. این نرخ در

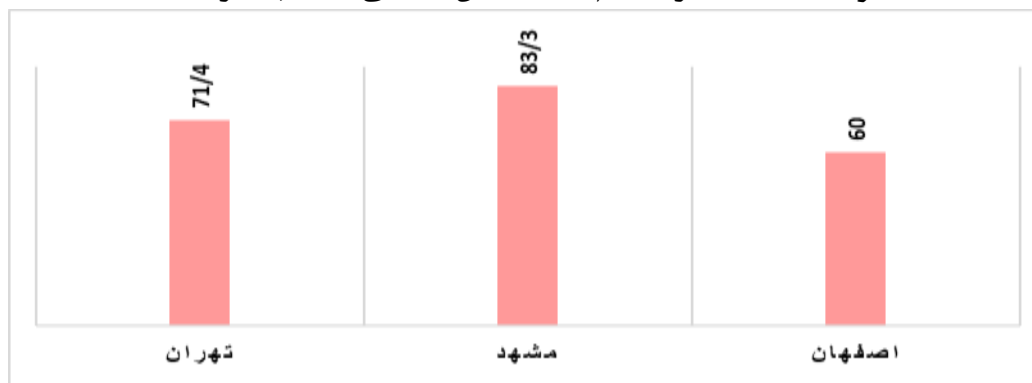
<sup>42</sup> HIV in Iran - The Lancet, [www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736...](http://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736...)

<sup>43</sup> Bailey JV, Farquhar C, Owen C: Sexual behaviour of lesbians and bisexual women. *Sex Transm Infect* 79:147, 2003

<sup>44</sup> UNFPA. Comprehensive sexuality education: Advancing human rights, gender equality and improved sexual and reproductive health. 2010.

جمعیت نمونه این سه شهر بالای پنجاه درصد است که نشان‌دهنده بی‌اطلاعی زیادی در میان گی‌ها، لزیب‌ها و دوجنسگراها در مورد این موضوع است.

نمودار شماره 13. میزان عدم رعایت مسائل بهداشتی از جانب دگرباشان



### 15. واکنش‌های راهبردی

در پاسخ به سرکوب‌ها و محدودیت‌های تجربه‌شده، اقلیت‌های جنسی همواره منفعل و مطیع بوده‌اند و گاهی واکنش‌های سازمان‌یافته یا سازمان‌نیافته خواسته یا ناخواسته‌ای که عمدتاً مجازی بوده از خود نشان داده‌اند. بیشتر اقلیت‌های جنسی ترجیح می‌دهند گرایش جنسی خود را مخفی کنند؛ زیرا خانواده، مذهب و نیروهای امنیتی منابع حمایتی ضعیفی هستند که در واقع اصلاً وجود ندارند. پنهان‌کاری اولین سازوکار راهبردی سازگاری است که اقلیت‌های جنسی برای مقابله با فشار در پیش می‌گیرند. نتایج مصاحبه با برخی همجنسگرایان و دوجنسگراها نشان داد که همه با پنهان‌کاری موافق بودند و به شکل جمعی از این راهبرد استفاده می‌کردند.

ازدواج دروغین یکی از این عجیب‌ترین و بزرگ‌ترین راه‌های فرار است. دگرباشان مجبورند راه‌های «مبتکرانه‌ای» برای بودن با کسی که دوستش دارند، پیدا کنند. واقعیتی تلخ است که میلیون‌ها مرد گی و زن لزیب در جهان «ازدواج دروغین» را به عنوان راهی برای آرام کردن اعضای خانواده و اجتماع بزرگ‌تر خود برمی‌گزینند. ازدواج دروغین بهترین روش برای این است که همه راضی باشند و هر ظنی درباره همجنسگرایی را کنار می‌زنند. بزرگ‌ترین انگیزه پشت ازدواج‌های دروغین آرام کردن والدین است. اما این موضوع خود مشکلاتی را به همراه دارد: اولاً بسیاری با فشار خانواده برای ازدواج با فردی از جنس مخالف تن می‌دهند اما معمولاً رابطه پنهانی خود با فردی همجنس را ادامه می‌دهند. دوم اینکه آنها با ازدواج موافقت می‌کنند تا بتوانند در یک موقعیت برنده-برنده فشار بسیار خانواده را از بین ببرند و همچنان به رابطه پنهانی با فرد موردعلاقه خود ادامه دهند.

نوع دیگری از ازدواج وقتی است که فرد با یک دگرجنسگرا ازدواج می‌کند تا با یک همجنسگرا، و همان هدف را در پی می‌گیرد که رهایی از فشار خانواده و اجتماع است. در چنین شرایطی، این راه‌حل، راه‌حلی سریع برای کسی است که با گرایش جنسی خود کنار آمده یا در تقلائی افزایش هویت جنسی خود است. این ازدواج موقتاً مشکل را حل می‌کند، در حالی که فرد از حمایت مالی، عاطفی و روانی شریک دگرجنسگرای خود هم برخوردار می‌شود. این موضوع در مصاحبه با

شرکت‌کنندگان مشخص شد، شرکت‌کنندگانی که علی‌رغم متأهل بودن رابطه خود با شریک همجنسگرایشان را حفظ کرده بودند.

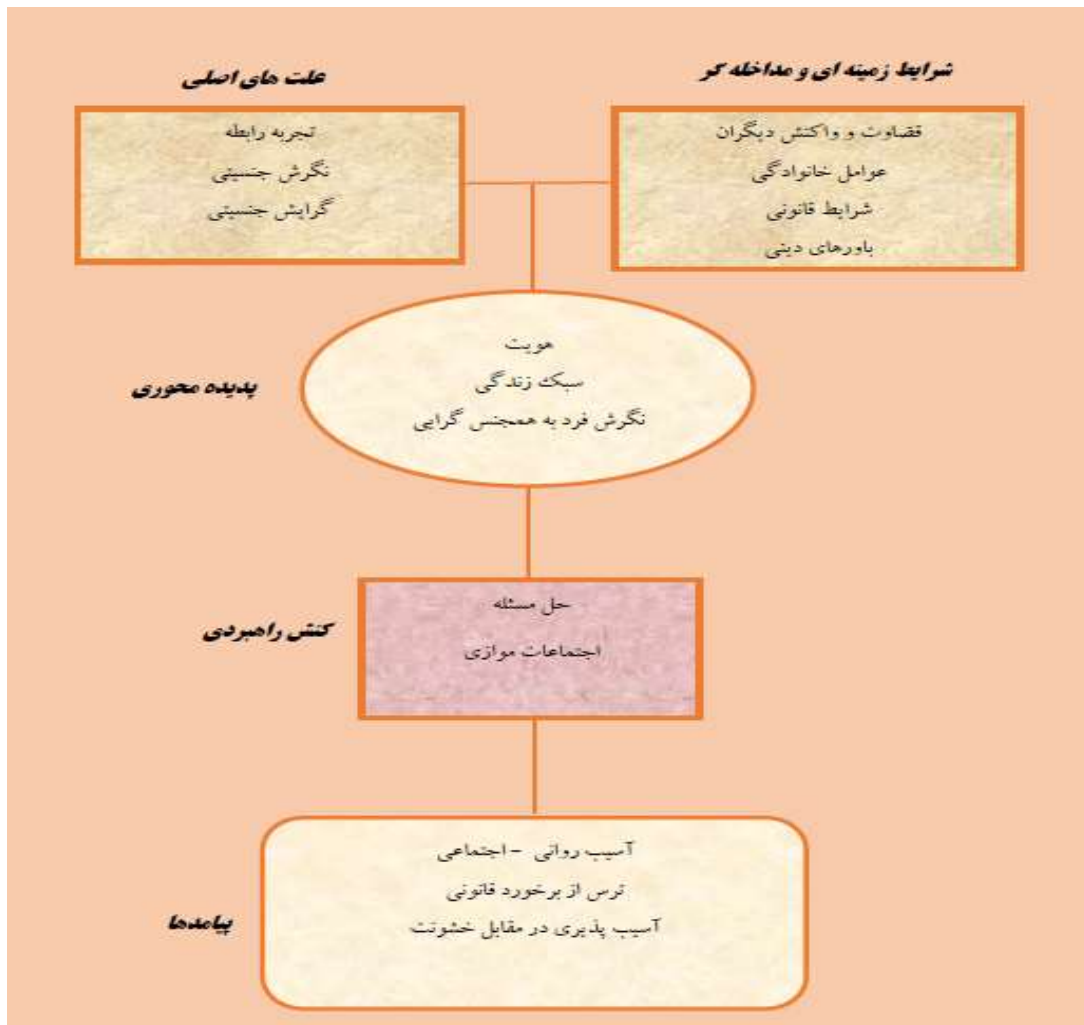
راه‌حل سوم که از طریق کار میدانی مشخص شد علاقه شرکت‌کنندگان به ترک کشور و مهاجرت به امید زندگی آزادتر در جامعه‌ای کمتر سرکوبگر بود تا در آنجا بتوانند به عنوان دگرباش به حقوق پایه انسانی خود بدون ترس از تعقیب قضایی دسترسی پیدا کنند. آنها فرایند مهاجرت و درخواست پناهندگی را شروع کرده‌اند. برخی سعی کرده‌اند در سنین پایین‌تر مهاجرت کنند و آماده شدن برای این فرایند چنان تلاشی بوده است که انگار همیشه بخشی از زندگی عادی آنها بوده است.

نوع دیگری از واکنش راهبردی اقلیت‌های جنسی در مقابل فشارهای اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی است. این واکنش از جانب کسانی در پیش گرفته می‌شود که عمیقاً به گرایش جنسی خود باور دارند و از خانواده‌های بازتر و حمایتگرتر می‌آیند و هرچند ممکن است در پذیرش کامل نباشند، سخت‌گیر و خشن نیستند. این افراد دیگر هویت خود را مخفی نمی‌کنند. این گروه عمدتاً شامل دانشجویان جوانی می‌شود که جنبشی مستقل را شروع کرده‌اند تا از این طریق ماهیت واقعی زندگی اقلیت‌های جنسی را به عموم نشان دهند. در گروه‌های تلگرامی این جنبش را «عادی سازی» می‌نامند که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها مانند گفت‌وگو با همکلاسی‌ها، همسایه‌ها و اقوام در جهت تغییر دیدگاه آنها، هرچند به میزان کم، می‌شود.

واکنش راهبردی دیگر که آن هم در دسته فعالیت‌های اجتماعی جای می‌گیرد، تشکیل اجتماعات موازی برای مقابله با همجنسگراستیزی و فشارهای اجتماع ایرانی است. اعضای این اجتماعات که از قضاوت‌های منفی و طرد به تنگ آمده‌اند با یکدیگر همدلی بیشتری دارند؛ چراکه همه آنها دغدغه‌های خاص مشترکی در زندگی دارند. دگرباشان فعال در این خرده‌فرهنگ می‌توانند در اجتماعات کوچک نامرئی، جایی که کسی برای گروهی از دوستان شخصیت "خاله" می‌شود، زندگی کنند. در این محافل، افراد حس تعلق اجتماعی، آگاهی بیشتر از حقوق قانونی و شهروندی و اعتماد به نفس بیشتری را برای حفظ سلامت و رفاه خود تجربه می‌کنند. اغلب این اجتماعات موازی در ایران به شکل زیرزمینی کار می‌کنند. فضاهای امن آنها شکننده هستند.

نهایتاً، اقدام راهبردی دیگر مربوط به کسانی است که برخلاف پناهجویانی که کشور را ترک می‌کنند، امکان یا فرصت مالی ترک زادگاه خود را دارند. افراد دگرباش معمولاً به دلایل تحصیلی یا شغلی زادگاه خود را ترک می‌کنند. گاهی آنها حس آزادی بیشتری را در شهر بزرگی همچون تهران احساس می‌کنند. برخی تصمیم می‌گیرند به دلیل ترس افشا شدن هویت جنسی‌شان نزد خانواده، در شهر دیگری سکونت کنند. برای تأمین هزینه‌های سنگین زندگی مستقل بدون هیچ کمک بیرونی، گاهی آنها با هم در یک جا زندگی می‌کنند تا هزینه‌های زندگی را مدیریت کنند و احتمالاً از حمایت عاطفی هم برخوردار شوند.

مدل مفهومی (GT) داده بنیاد تجربه زیسته اقلیت های جنسی در شهرهای بزرگ ایران (97-1396)



**نتیجه گیری**

آگاهی رسانی و مبارزه با نفرت هدف اصلی کنشگران اجتماعی سازمان های مردم نهاد است. روشنگری و اطلاع رسانی در خصوص دگرباشی در جامعه ایران و حضوری فعال تر داشتن در شبکه های اجتماعی درک عمومی بهتری از دگرباشان به دست می دهد و به شدت در حل بسیاری از مسائل آنها نقش دارد. همچنین، انبوهی از مسائل که پیش تر به آنها اشاره شد، باید در نظر گرفته شوند. به همین ترتیب، چالش های همراه با زندگی، مسائل مشکل ساز تعاریف و طبقه بندی ها، و زبان به کاررفته برای توصیف دگرباشان باید مورد توجه قرار گیرند. علی رغم همه مشکلات حتی در سخت گیرترین کشورهای خاورمیانه، دگرباشان همچنان به شکل زیرزمینی جمع می شوند و در مقابل عقیده عمومی، هنجارهای فرهنگی و نهادهای مذهبی که همچنان آنها را تحقیر می کنند و اجازه دسترسی به حقوقشان را به آنها نمی دهند، به رشد و بالندگی ادامه می دهند. آنچه روشن است، مخصوصاً در مورد گروهی که همچنان مورد انگ واقع می شود، سازوکارهای گسترده اجتماعی است که نقشی مهم در درک تفاوت های سطوح مختلف تبعیض در کشورهای جهان بازی

می‌کند. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که پذیرش اجتماعی مؤلفه‌ای حیاتی است که مطالعات بسیاری سعی در درک نقش آن داشته‌اند. درک این پدیده بلافاصله برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده میان دگرباشان به کار می‌آید. مطالعات بیشتر در زمینه پذیرش اجتماعی برای توضیح دامنه و تأثیر این مؤلفه مفید خواهد بود.

کلام آخر اینکه، این مطالعه پژوهشی نیاز مبرم به تلاش‌های نظری و روشی بیشتری را برای ایجاد تغییر و درکی از این مسئله مهم اجتماعی آشکار می‌کند. همان‌طور که در این پژوهش بر آن تأکید می‌شود، دگرباشان مرتب با انگ و تبعیض بسیاری روبرو هستند که به شدت بر سلامت جسمی و روانی آنها تأثیر می‌گذارد. فهمیدن اینکه چطور می‌توان این انگ و تبعیض را کاهش داد، عنصر مهم بهبود زندگی دگرباشان است. این مطالعه پژوهشی اهمیت پرداختن به پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ارزش رویکردی سراسری و نظریه‌محورتر را برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده در همه کشورهای نشان می‌دهد. بیش از 31 درصد جمعیت هشتاد میلیونی ایران بین 15 تا 29 سال سن دارند و این نیم‌رخ جمعیتی بسیار جوان فرصتی است برای تغییر، پویایی جدید سیاسی و به طور بالقوه دیدی جدید به جنسیت. پیش بردن این نگاه نسلی نیازمند جمع‌آوری، به اشتراک‌گذاری و فرمول‌بندی یک برنامه آموزشی درباره ادغام دگرباشان در همه سطوح زندگی است. هرگونه پیشرفت در پرداختن به نیازهای اساسی اجتماع دگرباشان در ایران با کمک این مؤلفه‌ها سرعت می‌گیرد: پر کردن خلأ اطلاعاتی، تنگ‌نظری‌ها و پذیرش وضعیت موجود، کندوکاو در داده‌های موجود و جمع‌آوری داده‌های پایه متقن، حمایت از تحقیقات، آزمودن ایده‌های جدید و مبتکرانه و آرایه راهکارهای بومی متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم بومی، و برنامه‌ریزی براساس ارزیابی‌های دقیق. هرگاه نتایج چنین تلاش‌هایی به شکلی واضح و شفاف به اشتراک گذاشته شوند، اجتماع روبه‌رشدی که در این حوزه کار می‌کند می‌تواند موارد موفق را بسط بدهد و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کند.

### درباره نویسنده

کامیل احمدی مردم‌شناس اجتماعی و پژوهشگر، برنده جایزه "ناموس" در دانشگاه حقوق لندن از بنیاد حقوق زنان (IKWR) و برنده جایزه "صلح" بنیاد جهانی صلح زنان بخش ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه جورج واشنگتن است. پژوهش‌های کامیل احمدی درباره توسعه اجتماعی و بین‌مللی، اقلیتها و مسائل مرتبط با جنسیت می‌باشد. پژوهش‌های قبلی وی به زبانهای انگلیسی، ترکی استانبولی، فارسی و کوردی با این عنوان چاپ شده‌اند: "نگاهی دیگر به شرق و جنوب شرق ترکیه" (نگاهی مردم‌شناسی به آداب و رسوم مزوپوتامیا) *Etkim press, Istanbul, Turkey 2009* "به نام سنت" (پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران) که توسط *Uncut Voices Press-Oxford- 2015* و نشر شیرازه انتشار یافت. "طنین سکوت" (پژوهشی جامع در باب ازدوج زود هنگام کودکان در ایران) *Nova Science Publisher, Inc., New York 2017* و کتاب "خانه ای بر روی آب" (پژوهشی جامع در باره صیغه / ازدواج موقت در ایران) توسط نشر شیرازه منتشر شد. همچنین کاتب "خانه ای در سایه" (پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران) و پژوهش اخیر وی در باب هویت و قومیت در ایران در حال چاپ می‌باشد. این مقاله از پژوهش "داستان شهر ممنوعه" پژوهشی بر باب دگرباشان در ایران، استخراج که نسخه



انگلیسی ان در شرف چاپ و نسخه فارسی ان منتظر مجوز می باشد. تا به کنون سه مقاله انگلیسی و دو مقاله فارسی از این اثر در جورنالهای مختلف به چاپ رسیده است.

#### منابع

#### الف) کتاب ها و نشریات

- Anthony Appiah and Henry Louis Gates (2010), Encyclopaedias of Africa, Volume 2 OUP, USA.
- Bailey JV, Farquhar C, Owen C: (2003) Sexual behaviour of lesbians and bisexual women. Sex Transm Infect 79:147.
- Beemyn, Genny, and Susan Rankin. 2011. The Lives of Transgender People. New York: Columbia University Press.
- Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*.
- Chan, Phil C. W. (2005) 'the lack of sexual orientation anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations', The International Journal of Human Rights, Vol.9, No.1, pp.69-106, [Online], Available: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347> [7 November 2012].HonHH

- Christopher Brocklebank (2012) Police raid headquarters of LGBT rights group.
- Cochran, S.D., V.M. Mays, and J.G. Sullivan, Prevalence of mental disorders, psychological distress, and mental health services use among lesbian, gay, and bisexual adults in the United States. *Journal of Consulting & Clinical Psychology.*, 2003. 71(1): p. 53-61
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications
- Eliason, M. J. (1997). The prevalence and nature of biphobia in heterosexual undergraduate students. *Archives of Sexual Behavior*.
- Gall, M. D., Gall, J. P., & Borg, W. R. (2007). *Educational research : an introduction* (8th ed.). Boston: Pearson/Allyn & Bacon. Page 767
- *History of Treatment/The Medical Treatment of Homosexuality.* edited by Cabaj & Stein, American Psychiatric Association, 1996
- Katz, Jonathan Ned (1995) *The Invention of Heterosexuality*. New York, NY: Dutton (Penguin Books).
- Katz-Wise, Sabra L. (2015). "Sexual fluidity in young adult women and men: Associations with sexual orientation and sexual identity development." *Psychology & Sexuality* 6.2, 189-208.
- Kitts, R. Adolescence. Gay adolescents and suicide: understanding the association. *Adolescence*, 40(159), 621-628. 2005
- Koh, A.S. and L.K. Ross, Mental health issues: a comparison of lesbian, bisexual and heterosexual women. *J Homosex*, 2006. 51(1): p. 33-57
- Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Rights in Iran, [www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran\\_0.pdf](http://www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf)
- Lovaas, Karen, and Mercilee M. Jenkins. "Charting a Path through the 'Desert of Nothing.'" *Sexualities and Communication in Everyday Life: A Reader*. 8 July 2006. Sage Publications Inc. 5 May 2008
- McLeod, S. A. (2007). Nature Nurture in Psychology. Retrieved from [www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html](http://www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html). Accessed November 4, 2017
- Murrey, Melissa (2016). Obergefell.V HHodges and Nonmarriage Inequality.
- Ryan, ruby, Joelle.REEL GENDER: EXAMINING THE POLITICS OF TRANS IMAGES IN FILM AND MEDIA, 2009. Page 8 Spencer A. Rathus. *Childhood: Voyages in Development*. Cengage Learning, 2013.
- Sandfort, T.G., et al., Same-sex sexual behavior and psychiatric disorders: findings from the Netherlands Mental Health Survey and Incidence Study (NEMESIS). *Archives of General Psychiatry*, 2001. 58(1): p. 85-91
- Siraj, Asifa (2012), ‘“I don’t want to taint the name of Islam”: the influence of religion on the lives of Muslim lesbians’, *Journal of Lesbian Studies*, Vol. 16, No.4, pp.449-467, [Online], Available: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10894160.2012.681268> [1st November, 2012].
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications. Page 12
- UNFPA. (2010) *Comprehensive sexuality education: Advancing human rights, gender equality and improved sexual and reproductive health*.
- Upchurch, Charles (2009). *Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform*. Berkeley: University of California, 2009. Print. Page 14 & 49

- Vexen Crabtree (2014). "The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam"
- Whitaker, Brian (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California.

(ب) وب سایت ها

\* <http://www.wahgurunet.com/gay-sikh>

\* Uganda considers death sentence for gay sex in bill before parliament", Guardian, 29 November 2009.

\* Straight but Narrow, The Economist [www.economist.com/node/21546002](http://www.economist.com/node/21546002)

\* (The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, WWW ;pewglobal.org)

\* <https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>

\*(<http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>)

\* *UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva*

\* PEW Research Center. Gay Marriage around the World. <http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/> Accessed: October 1st, 2017.

\* *2017 edition, State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association*

\*<https://fa.wikipedia.org>